



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



دفتر دوم

# راه و رسم طلبگی

حقیقتِ صفتی طلبہ و معانیِ طلبگی

محمد صالح راہ و رسم نوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# راه و رسم طلبگی

نویسنده:

محمد عالم زاده نوری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی ولاء منتظر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	راه و رسم طلبگی جلد ۲
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست
۱۷	مقدمه
۱۷	اشاره
۲۲	هویت
۲۴	طلبگی و روحانیت
۲۵	فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت
۳۳	کار طلبگی
۳۸	نصاب طلبگی
۴۷	آینده کاری طلبه
۴۷	اشاره
۵۱	ویژگی های کنونی حوزه
۵۱	بحران منابع انسانی
۵۶	حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین
۵۹	بایسته های طلبگی
۵۹	شکلیابی و پایداری
۶۷	کارآمدی و توانمندی
۹۴	سامان فعالیت های فرهنگی در برنامه کاری طلبه
۹۴	اشاره
۹۸	ویژگی های فعالیت فرهنگی
۱۰۹	مجموعه متون و اسناد روحانیت

۱۰۹	.....	اشاره
۱۰۹	.....	دفتر ۱. تاریخ روحانیت
۱۱۰	.....	دفتر ۲. کلیات
۱۱۰	.....	دفتر ۳. بررسی های عمومی
۱۱۰	.....	دفتر ۴. نظام آموزشی
۱۱۱	.....	دفتر ۵. نظام اداری روحانیت
۱۱۱	.....	دفتر ۶. نهادها و مراکز (بررسی های عمومی، مراکز آموزشی و پژوهشی)
۱۱۱	.....	دفتر ۷. ردیه و دفاعیه
۱۱۱	.....	دفتر ۸. مناسبات جهانی روحانیت
۱۱۱	.....	دفتر ۹. آسیب شناسی روحانیت
۱۱۱	.....	دفتر ۱۱. پژوهش های تطبیقی (تحلیل های عمومی و مقایسه ای، روحانیت مسیحیت، نقد روحانیت مسیحیت، روحانیت دیگر مکاتب و ادیان)
۱۱۱	.....	دفتر ۱۲. هویت جامعه روحانیت
۱۱۲	.....	دفتر ۱۳. پراکندگی جغرافیایی حوزه ها و روحانیت
۱۱۲	.....	دفتر ۱۴. مبارزات سیاسی
۱۱۲	.....	دفتر ۱۵. سیاست
۱۱۳	.....	دفتر ۱۶. فعالیت ها و خدمات اجتماعی
۱۱۳	.....	دفتر ۱۷. فعالیت فرهنگی
۱۱۴	.....	دفتر ۱۸. انطباق اسلام با مقتضیات جدید
۱۱۴	.....	دفتر ۱۹. مرجعیت
۱۱۵	.....	دفتر ۲۰. نخبگان روحانیت
۱۱۵	.....	دفتر ۲۱. مناسبات و روابط
۱۱۵	.....	دفتر ۲۲. رهبری جنبش ها و نهضت ها
۱۱۵	.....	دفتر ۲۳. مناسبات روحانیت و حکومت ها
۱۱۶	.....	دفتر ۲۴. هویت جامعه روحانیت
۱۱۷	.....	برای مطالعه بیشتر
۱۲۱	.....	منابع و مأخذ



سرشناسه: عالم زاده نوری، محمد، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم طلبگی /مؤلف محمد عالم زاده نوری.

مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی ولاء منتظر، ۱۳۸۹ -

مشخصات ظاهری: ج ۷؛ ۱۲×۲۱ س م.

شابک: ۷۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۵-۹؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۹۷۸-۱-۶۰۰-۵۵۵۱-۱۸-۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال (ج. ۱، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۲؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۱۹-۸؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ سوم)؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۳؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۰-۴؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۳، چاپ چهارم)؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۳؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۴؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۱-۱؛ ۱۹۰۰۰۰ ریال (ج. ۴، چاپ چهارم)؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۴؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۵؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۲-۸؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۵؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۵، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۶؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۳-۵؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۶؛ ۲۰۰۰۰ ریال (ج. ۶، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۷؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۴-۲؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۷؛ ۴۰۰۰۰ ریال (ج. ۷، چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً به صورت مستقل نیز منتشر شده است.

یادداشت: ج. ۲ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج. ۱-۷ (چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: ج. ۱-۳ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: ج. ۴-۷ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. ارزش و افتخارات طلبه. -ج. ۲. هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی. -ج. ۳. طلبه در دوران رشد و تحصیل. -

ج. ۴. طلبه و برنامه زندگی. -ج. ۵. طلبه و جهت گیری تخصصی. -ج. ۶. علم دیگر. -ج. ۷. طلبه؛ نشاط و طراوت طلبگی.



موضوع : حوزه های علمیه -- ایران

موضوع : طلاب -- راه و رسم زندگی

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : BP۷ع/۱۶۲۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۲۲۴۵۵

ص : ۱

**اشاره**



جلد دوم راه و رسم طلبگی

مؤلف

ص: ۳

انتشارات ولاء منتظر؟ عج؟

قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه ۳۷ (سپاه)،

فرعی پنجم، پلاک ۱۰۴؛ تلفکس: ۷۷۴۹۴۵۸ (۰۲۵۱) [www.v-montazar.com](http://www.v-montazar.com) [info@v-montazar.com](mailto:info@v-montazar.com)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش انحصاری:

قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی؟ (ارم)، روبروی پاساژ قدس، ساختمان کوثر، انتشارات سوره مهر (مؤسسه رحماء)؛

ص: ۴

٠٩١٩٢٥١١٠٣٦ - (٠٢٥١) ٧٨٣٩٤٠٢ و٦

ص:٥

مقدمه. ۹

هویت.. ۱۴

طلبگی و روحانیت.. ۱۶

فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت.. ۱۷

کار طلبگی.. ۲۵

نصاب طلبگی.. ۳۰

آینده کاری طلبه. ۳۹

ویژگی های کنونی حوزه. ۴۳

بحران منابع انسانی.. ۴۳

حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین.. ۴۸

بایسته های طلبگی.. ۵۱

شکلیابی و پایداری.. ۵۱

کارآمدی و توانمندی.. ۵۸

سامان فعالیت های فرهنگی در برنامه کاری طلبه. ۸۵

ویژگی های فعالیت فرهنگی.. ۸۹

عناوین و سرفصل های مجموعه متون و اسناد روحانیت.. ۹۹

دفتر ۱. تاریخ روحانیت.. ۹۹

دفتر ۲. کلیات.. ۱۰۰

- دفتر ۳. بررسی های عمومی.. ۱۰۰
- دفتر ۴. نظام آموزشی.. ۱۰۰
- دفتر ۵. نظام اداری روحانیت.. ۱۰۱
- دفتر ۶. نهادها و مراکز (بررسی های عمومی، مراکز آموزشی و پژوهشی) ۱۰۱
- دفتر ۷. ردیه و دفاعیه. ۱۰۱
- دفتر ۸. مناسبات جهانی روحانیت.. ۱۰۱
- دفتر ۹. آسیب شناسی روحانیت.. ۱۰۱
- دفتر ۱۰. هنر. ۱۰۱
- دفتر ۱۱. پژوهش های تطبیقی.. ۱۰۱
- دفتر ۱۲. هویت جامعه روحانیت.. ۱۰۱
- دفتر ۱۳. پراکندگی جغرافیایی حوزه ها و روحانیت.. ۱۰۲
- دفتر ۱۴. مبارزات سیاسی.. ۱۰۲
- دفتر ۱۵. سیاست.. ۱۰۲
- دفتر ۱۶. فعالیت ها و خدمات اجتماعی.. ۱۰۳
- دفتر ۱۷. فعالیت فرهنگی.. ۱۰۳
- دفتر ۱۸. انطباق اسلام با مقتضیات جدید. ۱۰۴
- دفتر ۱۹. مرجعیت.. ۱۰۴
- دفتر ۲۰. نخبگان روحانیت.. ۱۰۵
- دفتر ۲۱. مناسبات و روابط.. ۱۰۵
- دفتر ۲۲. رهبری جنبش ها و نهضت ها. ۱۰۵

دفتر ۲۳. مناسبات روحانیت و حکومت ها. ۱۰۵

دفتر ۲۴. هویت جامعه روحانیت.. ۱۰۶

برای مطالعه بیشتر. ۱۰۷

منابع و مأخذ. ۱۱۱

ص: ۸



طلاب علوم دینی که به هدف سربازی امام عصر و پاسداری از آیین حیات آفرین الهی متاع اندک دنیا را رها کرده و از برخوردارگی ها و نعمت های آن چشم پوشیده و در یک معامله بزرگ با خدا، به سوی حوزه های علمیه رو کرده اند، طی سال های متمادی و در یک فرایند پر پیچ و خم و دشوار گوهر وجود خود را در کانون آموزش و پرورش حوزوی جلا بخشیده و به مرور زمان مشعل داران هدایت و سفیران دین آسمانی خواهند شد.

این فرایند طولانی مدت در میانه راه با مشکلات و آسیب های فراوانی روبرو است و جز به صبر و بصیرت و معرفت و استقامت کامل نخواهد شد.

«وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ» (۱)

هر مسلمانی باید پیش از اقدام به هر کاری بصیرت و معرفت لازم را در آن کسب کند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةً»

ص: ۹

کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که در بی راهه می رود. هرچه سریع تر حرکت کند دورتر می‌گردد».

امام علی؟؟ نیز به کمیل فرمودند:

«یا کمیل ما من حرکه إلا و أنت محتاج فیها إلى معرفه؛

کمیل! هیچ حرکت و رفتاری نیست مگر آن که تو در آن نیاز به معرفت داری».

در کنار بصیرت در دین، بصیرت اجتماعی و سیاسی، بصیرت در زندگی فردی، و بصیرت صنفی یعنی بصیرت در ایفای نقش اجتماعی از لوازم حرکت یک طلبه در این مسیر دشوار است.

«اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي وَ البَصِيرَةَ فِي دِينِي»<sup>(۲)</sup>

«الامامُ الصَّادِقُ عليه السلام : كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذُ البَصِيرَةِ، صَلِبُ الْاِيْمَانِ»<sup>(۳)</sup>

<قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ><sup>(۴)</sup>

برای تبیین نیاز به بصیرت راه طولانی در پیش نداریم. به دلیل عقلانی و تجربی نیز می توان نیاز به بصیرت را نشان داد. همه ما وقتی وارد محیط جدیدی می شویم تلاش می کنیم که دید کامل و اطلاعات جامعی از آن به دست آوریم که در استفاده بهینه از آن محیط موفق تر باشیم. احتمالاً همه ما زمانی که برای اول بار به مدرسه علمیه وارد شدیم در جستجوی امکانات مدرسه، مراکز

ص: ۱۰

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

۲- . همان، ج ۲، ص ۵۲۹.

۳- . عمده الطالب، ص ۳۵۶.

۴- . یوسف، آیه ۱۰۸.

اداری، جهت قبله، محل کتابخانه، نمازخانه، پارکینگ، حمام و... زمانی را صرف کرده ایم و اکنون از صرف آن زمان نیز خرسندیم. با این که نهایت استقرار ما در آن مدرسه بیش از چند سال نیست.

طلبه ای که به حوزه علمیه آمده در فضای جدیدی پانهاده که سال ها در آن استقرار خواهد داشت و آینده شخصیتی خود بلکه آخرت و ابدیت خود را بدان رقم خواهد زد. بی شک طلبه برای حیات حوزوی خود نیاز به بصیرت دارد. یعنی همان دید کامل و اطلاعات جامع را نه تنها در مورد فضای مادی و داخلی مدرسه علمیه بلکه برای کل حوزه باید به دست آورد تا بهره او از حوزه کامل تر شود.

تفاوت شهید مطهری رح با برخی از دیگر علما، به همین بصیرت بازگشت دارد. به خوبی مشهود است که کارکرد اجتماعی شهید مطهری رح بسیار بیش از دیگران بوده و نقش موثری که وی در جامعه ایفا کرده با آنچه که از دیگران دیده می شود قابل مقایسه نیست.

بصیرت به معنای چشم باز داشتن، و از بالا نگاه کردن است. وقتی صحنه ای را از بالا نگاه می کنیم اشراف و احاطه ما بسیار بیش از زمانی است که از درون به آن می پردازیم. وقتی وارد شهری می شویم آسان ترین راه برای آشنایی با آن شهر تهیه نقشه آن شهر است، نه گشت و گذار لذت بخش در آن. تهیه نقشه شهر، نگاه به شهر از بالا، از چشم یک پرنده یا از داخل یک هواپیما، یعنی صرف نظر از جزئیات و پرداختن به روابط و نسب کلان. در مقابل، گشت و گذار در شهر عبارت است از دقت در جزئیات که انرژی و زمان فراوانی می طلبد و در نهایت نیز معلوم نیست ما را در جریان کامل کلیات و تجسم درست نقشه

هوایی قرار دهد بلکه گاهی حیرت نیز می آفریند.

امام علی علیه السلام به حارث بن حوط فرمود:

«يَا حَارِثُ إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتِكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحِرَّتْ»؛ (۱)

ای حارث تو به زیر پایت نگاه کرده ای و بالا را ندیده‌ای، لذا حیران و سرگردان شده ای».

برای ایمنی از این حیرت و سرگردانی نیاز به بصیرت داریم. کسی که با بصیرت پیش می رود از کار اندک خود بهره فراوان می گیرد اما کسی که بدون بصیرت حرکت می کند ممکن است مانند حیوان عصاره پس از ساعت ها بل سال ها حرکت و تلاش در جای اول خود مانده باشد!

بصیرت به معنای دائم به هدف نظر داشتن، اولویت ها را شناختن، راه ها را دیدن، نقشه کلان را پیش رو نهادن، و حرکت از روی شناخت است و تنها به معنای «به کار خوب مشغول بودن» نیست. زیرا چه بسا کارهای خوبی که ما را از کارهای خوب تر بازدارد و به سرانجام روشنی نرساند.

ایجاد بصیرت صنفی، انگیزه سازی برای حضور فعال، کارآمد و مستمر طلبه در این راه و توان افزایشی برای برداشتن بار سنگین این مسئولیت، وظیفه دغدغه مندان و مربیان است که قدر و سهم این نیروهای مخلص را در آینده تمدن اسلامی می دانند و چشم امید به حضور این گرامیان در صحنه رخداد های خطیر پیش از ظهور دارند.

آشنایی طلبه با تعریف و هویت صنفی خود، بی تردید مهم ترین مصداق بصیرت است و از حیرت در مقام عمل و بی راهه پیمایی

ص: ۱۲

جلوگیری می کند؛ در طلبه انگیزه اقدام و احساس ارزشمندی و افتخار و عزت می آفریند و از سرشکستگی و واماندگی و احساس بیهودگی و بی مصرفی رهایی می بخشد و قطب نمای حرکت او در تصمیم ها و انتخاب های کوچک و بزرگ می شود.

شاید طلبه هایی را دیده باشیم که پس از سال ها تحصیل پرنشاط و تلاش فراوان علمی، به کارهایی مانند فعالیت های خدماتی، ویراستاری و کارمندی روی آورده اند. کارهایی که با رسالت اصیل حوزه های علمیه و با حجم تحصیل و تلاش طلبه در دوره رشد تناسب ندارد و امتداد آرمان این نهاد، به شمار نمی رود. این رخداد نامبارک، برخاسته از عدم بصیرت صنفی و فراموشی هویت یا غفلت از آن است. بحران تصمیم گیری و نازل بودن سطح انتخاب در میان طلاب، ناشی از همین کاستی و مولود عدم تثبیت هویت در ساختار روانی آنان است.

این دغدغه که آیا طلبه بهره اجتماعی درخوری خواهد داشت و ثمره ممتازی بر وجود او مترتب خواهد شد و این شبهه که آیا این همه درس و بحث و تحصیل و تلاش با خدماتی که در آینده بر دوش طلبه نهاده می شود و از او انتظار می رود تناسب دارد یا نه و این اندیشه که در شرایط موجود جامعه بستر کدام خدمت بزرگ اجتماعی برای طلبه فراهم است و... همه از مقوله نظر به هویت صنفی طلبه است.

طلاب علوم دینی باید روشمند و عالمانه با آینده صنفی خود آشنا گردند تا از این مشکلات فاحش رهایی یابند. مناسب تر آن است تا سرمایه فراوانی که حوزه، صرف تربیت نیروهای خود کرده و اندوخته فراوانی که طلبه در دوره رشد و تحصیل خود، فراهم آورده

صرف آرمان و رسالت حوزه شود و به کارهای نازلی که از غیرطلبه نیز برمی آید صرف نگردد. یعنی لازم است طلبه در دوره طلبگی چنان مراقبت شود که از کارکردهای رسمی حوزه فاصله نگیرد.

این دفتر تلاشی ابتدایی برای ترسیم هویت صنفی طلبه و نقش اجتماعی او است و امید آن دارد که با حسن عنایت صاحب نظران تکمیل و ترمیم گردد.

## هویت

هویت هر کس یا هر چیز اوصاف ویژه او است که در کسان یا چیزهای دیگر دیده نمی شود. یعنی اموری که وجه تمایز او از سایرین است و موجب بازشناسی او از دیگران می شود. هویت بر چند قسم است: هویت فردی، هویت نوعی، و هویت صنفی. هویت فردی، یک فرد را از سایر افراد متمایز می سازد. هویت نوعی یک نوع کلی را از سایر انواع مشخص می کند اما نمی تواند تمایزات میان افراد را معلوم کند و هویت صنفی نیز تمایز یک صنف نسبت به سایر اصناف یک نوع را ذکر می کند. (۱)

هویت همان گونه که تمایزات یک چیز را از دیگران بیان می کند اوصاف مشترک میان افراد یک نوع را

ص: ۱۴

---

۱- . مراد از صنف در عنوان این کتاب عبارت از گروهی است که یک نقش اجتماعی ویژه و مشترک را بر عهده گرفته باشند. هر چه مدنیت افزوده گردد، در نظام تقسیم کار و توزیع نقش اجتماعی لاجرم اصناف بیشتری پدید می آیند. البته ممکن است افراد برخی از این اصناف ارتباط نظام مندی باهم نداشته باشند، مثلاً سازمان تعریف شده یا اتحادیه ای تشکیل نداده باشند اما به هر حال به جهت ایفای یک نقش و کارکرد مشترک و ارائه یک خدمت واحد، یک صنف ممتاز هستند. این واژه گاهی به جنبه شغلی (مشغولیت)، درآمدزایی و بهره اقتصادی انصراف پیدا می کند که در این کتاب ابتدا مورد نظر نیست.

نیز بیان می کند.

بنابراین هویت صنفی طلبه از طرفی مایه امتیاز طلبه از غیر طلبه است و از طرفی مایه اشتراک طلبه ها با یک دیگر. در بیان هویت طلبه باید امور و اوصافی ذکر شود که اختصاص به طلبه دارد و طلبه را از سایر اصناف اجتماعی ممتاز می گرداند و موجب می شود مصداق طلبه از غیر طلبه به خوبی باز شناخته شود.

طلبه دارای یک هویت و خود فردی و نیز دارای یک هویت و خود صنفی است، یعنی یک شخصیت حقیقی فردی و یک شخصیت حقوقی و صنفی دارد. به همین جهت همان گونه که موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی فردی است موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی صنفی است. همان گونه که به عنوان یک انسان باید از ظرفیت ها، دارایی ها، فرصت ها، نیازها، استعدادها، بایسته ها، وظایف و کاستی های خود اطلاع داشته باشد به عنوان یک طلبه - یعنی به عنوان یکی از اعضای این گروه همکار - باید تصورات خود را از ظرفیت ها، دارایی ها، فرصت ها، نیازها، استعدادها، بایسته ها، وظایف و کاستی های حوزه و روحانیت اصلاح کند و به خودسازی صنفی پردازد یعنی خود را برای انجام وظیفه در این صنف اجتماعی آماده سازد. همان گونه که به عنوان یک انسان به موفقیت و کمال انسانی خود می اندیشد به عنوان یک طلبه باید به موفقیت و کمال صنفی خود نیز توجه داشته باشد. بدین ترتیب باید دو آرمان را به موازات هم دنبال کند؛ آرمان فردی و آرمان صنفی.

برنامه ریزی برای یک شخص متوقف بر شناخت آن شخص است. برنامه ریزی برای یک صنف نیز در گرو شناخت آن صنف است. آشنایی با هویت یک گروه اجتماعی (راننده، کارمند، کاسب، طلبه)

ص: ۱۵

دورنمای وظایف الهی و بخش عمده ای از برنامه شبانه روزی او را روشن می گرداند. وقتی می گوییم «فلان کس راننده است.» دورنمای فعالیت های او را به نحو کلی می توان حدس زد. یک «کارمند» عمده زمان مفید و توان خود را به کار در اداره می پردازد. طلبه نیز عمده وقت مفید و توان خود را به «طلبگی» باید پردازد. اما پرسش اساسی این است که «طلبگی» چه معنایی دارد؟

اگر در هویت طلبه کاوشی عمیق تر نماییم، دستور کار و وظایف او را به روشنی درمی یابیم.

## طلبگی و روحانیت

برخی میان طلبگی و روحانیت تفکیک کرده اند. اما گویا نیازی به این تفکیک نباشد. زیرا طلبگی فصل اول حیات روحانی است، و روحانیت امتداد طبیعی طلبگی. طلبگی فصل آموختن و پرورده شدن است. آموختن و پرورده شدن به غایت خدمت اجتماعی خاصی که در فصل دوم حیات او ارائه می شود. بدین ترتیب روحانیت بدون طلبگی یعنی انجام خدمت بدون آمادگی و آموزش، و طلبگی بدون تعهد خدمت یعنی فراهم آوردن، بدون بهره!

هر کس که طلبه می شود به سازمان روحانیت شیعه وارد می شود و همه رسالت ها و وظایف آن را بر دوش می گیرد؛ وظایفی که نمی تواند نسبت به آنها بی اعتنا باشد؛ اما در آغاز راه باید برای انجام آن وظایف، مدتی آموزش ببیند و آمادگی کسب کند. روحانی ای که به خدمات اجتماعی فرهنگی و دینی مشغول است نیز طلبه است از آن جهت که هر عنصر خدوم اجتماعی موظف است همواره و پیاپی بهره های خود را افزایش دهد، با تخصص و دانش و تجربه بیشتر در



میدان خدمت حضور یابد و فرمان تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه واله به دانش آموزی تا پای گور را اطاعت کند. بنابراین مراد از هویت صنفی طلبه همان هویت صنفی روحانی است و میان این دو تفاوتی جز به اعتبار وجود ندارد.

## فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت

هریک از اصناف اجتماعی به هدف رفع یکی از نیازهای زندگی انسان پدید آمده است. بدون شک نیاز انسان منحصر در تأمین خوراک و پوشاک و آسایش مادی نیست. نیاز غیرمادی انسان به مراتب از نیاز مادی او فراوان تر و اساسی تر است. زیرا حقیقت انسان و انسانیت او در گرو عناصر غیرمادی است. از جمله این نیازها، نیاز به وحی، نیاز به دین، و نیاز به هدایت آسمانی است. پروردگار جهان برای رفع این نیاز مهم، شخصیت های برگزیده ای را به همراه پیام آسمانی به میان مردم فرستاده است. این چهره های ممتاز بشریت حامل سه مسئولیت بزرگ هستند.

۱. دریافت پیام خدا (نبوت، خبرگیری)

۲. انتقال این پیام به مردم (رسالت، ابلاغ)

۳. اجرا و تحقق بخشیدن به آن محتوا در سطح جامعه (امامت، ولایت)

پس از رحلت آخرین پیامبر و غیبت آخرین وصی او -امام عصر عجل الله فرجه الشریف- این سه مسئولیت خطیر نیاز به متولی دارد. لازم است در کنار اصناف مختلف که به رفع نیازهای گوناگون اجتماعی می پردازند، صنف دیگری پدید آید که این وظایف سنگین را بر دوش گرفته و دنباله رو حرکت پیامبران گردد. این صنف، روحانیان و

عالمان دین نام گرفته اند:

عالمان دین وارثان و جانشینان پیامبران هستند(۱) و متناظر با مسئولیت های سه گانه پیامبران سه تکلیف بزرگ بر عهده دارند. آیه ۱۲۲ سوره توبه به این سه تکلیف اشاره دارد.

حَوِّ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛

و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا آگاهی عمیق در دین پیدا کنند و قوم خود را -وقتی به سوی آنان بازگشتند- بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند.

در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم وجوب جهاد و حرکت به سوی جبهه جنگ استثنا شده اند تا این سه هدف را پی گیرند.

۱. فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی. (لیتفقوها)(۲)

۲. بازگشت به میان مردم، انداز و هشدار آن ها و ابلاغ پیام دین. (لینذروا)

۳. تلاش برای تحقق آرمان های دینی. (هدفمند بودن تبلیغ و

ص: ۱۸

---

۱- «انَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» الكافي، ج ۱، ص ۳۴.

۲- فقه با فهم سه تفاوت دارد؛ فقه، فهم همراه با تأمل و تعمق است. علاوه بر فکر با قلب نیز ارتباط دارد یعنی فهم همراه با دل است و نیز به سوی عمل تجهیز می کند یعنی فهم اگر به آستانه فقه برسد عمل زا است.

تحصیل ادبیات عربی که زبان منابع دین است، آشنایی با قواعد مفاهمه عرفی در علم اصول فقه، علوم قرآنی، علوم حدیث، تفسیر، بررسی منابع روایی، پژوهش به هدف کشف نظر دین در موضوعی خاص و... همه تلاش هایی است که در راستای فهم عمیق دین صورت می گیرد. ایجاد کتابخانه و نمایشگاه، تولید نرم افزارهای علوم اسلامی، کتابنامه ها، فهرست ها، معاجم و... گرچه گامی مستقیم در راه تفقه به شمار نمی رود اما به کاروان فهم دین کمک می کند و مسیر حرکت این کاروان را هموارتر یا کوتاه تر می سازد.

ص: ۱۹

۱- . در نقش توصیه های قرآنی در انگیزش مسلمانان برای تحصیل معارف دینی و انتقال آن به بخش هایی از جهان اسلام که از حوزه نفوذ مستقیم نور هدایت الهی محروم بودند، نمی توان تردید داشت. همانگونه که تأثیر الزامات علمی، در انگیزه مزبور قابل شک نیست. مسلمانان اولیه، به موازات گسترش قلمرو اسلام، با سه پدیده سرنوشت ساز در حیات سیاسی خود روبرو شدند و در راه چاره سازی آن به تأسیس حوزه های علمیه دست یازیدند؛ از سویی با افواج تازه مسلمانانی روبرو گشتند که از تعالیم اسلامی کمترین آگاهی را داشتند و محتاج آموزش های گسترده بودند و از سوی دیگر به هم مرزی ادیان بزرگ و تمدن های پر شکوه و سابقه داری کشانده می شدند که با فرهنگ ها و عقاید گوناگون داعیه درگیری فرهنگی - اعتقادی با مسلمانان را در سر داشتند و دفاع فرهنگی از شریعت را برای مسلمانان ضروری می ساختند و در کنار این دو، پیدایش حوادث و موضوعات جدیدی که در آیات قرآنی و روایات مأثور، احکام آن به صراحت بیان نگشته بود، لزوم تأسیس سیستم استخراج احکام از متون اصلی را اجتناب ناپذیر گردانده بود. همه اینها به یاری هم خبر از تأسیس تشکیلاتی می دادند که به طور مستقل به پاسخ گویی نیازهای یاد شده پردازد و اسلام را در دست یابی به اهداف خویش کمک کند. (تأملی در نظام آموزشی حوزه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ص ۹۲)

سخنرانی، تدریس، تألیف کتاب، ترجمه متون دینی، تولید نرم افزارهای کاربردی، تشکیل مراکز فرهنگی، و... تلاش هایی است که در جهت هدف دوّم (تبلیغ دین) صورت می گیرد. سازمان روحانیت برای تبلیغ دین باید از هر گونه ابزار مفید و شیوه های کارساز و دانش هایی که از لوازم تحقق این اهداف است بهره گیرد. پاره ای از علوم و معارف نظیر فنون بلاغت و اصول نگارش در راستای همین هدف به سیستم آموزشی حوزه ها راه یافته است. این رویه در باره علوم و مهارت های دیگر نیز باید اعمال شود.

تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و اداره آن بر طبق اسلام و ولایت اجتماعی، قضاوت و دادرسی، رهبری و مدیریت جریان های علمی و فرهنگی و سیاسی در راستای اهداف دین، ایجاد زمینه های تحقق تمدن اسلامی، اجرای حدود شرعی، طراحی مدل های دینی در علوم انسانی، بسترسازی برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف مکتب و... تلاش هایی است که در دایره وظیفه سوم قرار دارد. مراد از اجرای دین تنها اجرای احکام دین توسط فرد نیست. زیرا پای بندی به احکام دین وظیفه همه مسلمانان است و اختصاصی به طلبه ندارد. بلکه مراد از آن برنامه سازی و تلاش منضبط برای اجرای دین در سطح کلان جامعه و تمهید مقدماتی (مانند تشکیل ساختارها، تدوین قوانین و قواعد و...) است که موجب تسهیل و گسترش رفتار دینی و انگیزه سازی برای دینی زیستن و اسلامی ماندن گردد. (۱)

ص: ۲۰

۱- تلاش برای اجرای دین بسیار دامنه گسترده ای دارد و شامل هر گونه اقدامی که به نوعی بستر و زمینه تحقق اهداف دین را فراهم کند می شود. هر جا که انسان از اختیار و نفوذ خود در دیگران به گونه ای استفاده کند که راه دین داری هموارتر شود و انگیزه عمل تقویت گردد، به تحقق دین کمک کرده است. مثلاً اقدام رهبر انقلاب در تشویق جوانان به انس با قرآن با ایجاد رقابت و اهدای جوایز سنگین و... که موجب پیدایش جریان اقبال از قرآن و تشکیل جلسات قرآنی فراوان گردید و در نهایت به آشنایی نسل جوان با معارف قرآنی انجامید یا تأمین تسهیلات و امتیازات ویژه برای ازدواج جوانان یا اجرای حدود و قصاص و تعزیرات که در فقه اسلامی در نظر گرفته شده است، همگی به تحقق دین یا تحقق بخشی از آموزه های دینی منتهی می شود. این فعالیت ها از مقوله پیام رسانی و تبلیغ نیست، تصرف در اراده ها و ایجاد انگیزه است و در نهایت به مهندسی اجتماعی می انجامد.

۱. فهم دین تفقه

نبوت

۲. تبلیغ دین (۱) انذار

رسالت

۳. اجرای دین حذر مردم امامت (۲)

علاوه بر این ها دفاع از دین و مرزبانی اعتقادی، حراست از چارچوب و اصول و احکام دین، زدودن خرافه ها، انحرافات و پیرایه های موهوم از آن نیز وظیفه روحانیت است.

ص: ۲۱

---

۱- . مراد از تبلیغ معنای عامی است که شامل مصادیق متنوعی می گردد. معرفت افزایی، خرافه زدایی، بدعت ستیزی، دشمن شناسی، بصیرت زایی، ایجاد محبت، ارشاد عملی، پاسخ گویی، امر به معروف و نهی از منکر، و تربیت نیرو همه در این معنای عام مندرج اند.

۲- . به تعبیر دقیق تر می توان گفت نظام روحانیت، بر خلاف تصور موجود وارث و جانشین انبیاء نیست، بلکه جانشین امامت است؛ به همین جهت هم وظایفش سنگین تر از نبوت و رسالت است. وقتی نظام امامت، توسعه پیدا میکند، غیر از دریافت و تلقی وحی که وظیفه نبی است و ابلاغ که وظیفه رسول است، روحانیت وظیفه اجرا و اعمال را هم بر دوش دارد. با این تعریف، روحانیت باید به هر سه لایه ماموریت های امامت، توجه نماید. بنابراین روحانیت نهادی اجتماعی است که غایتش بسط و استمرار نظام امامت است و در دوره غیبت، باید راه امامت را در ابعاد وسیع تری دنبال کند.

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلِيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛<sup>(۱)</sup>»

هرگاه انحرافات و بدعت ها در میان امت من ظاهر شد، بر دانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد».

حوزه های علمیه برای استمرار حیات خود، باید به تربیت نیروهایی که این رسالت ها را بر دوش گیرند پردازند و در یک نظام تعلیمی و تربیتی کارآمد این عناصر گران قدر را پرورش دهند.

بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت سِمَت و مقامی نیست که در سایه آن روحانیون امتیازات مادی کسب کنند یا حرفه ای که نظیر حرفه های دیگر یک دسته آن را پیشه و وسیله امرار معاش خود قرار دهند. روحانیت در اسلام به معنی آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است. بی آن که علم و تقوا سرمایه دنیاطلبی گردد.<sup>(۲)</sup> شجره نامه صنفی روحانیت از مسیر عالمان ربّانی دوره غیبت به امامان معصوم علیهما السلام و از طریق آنها به پیامبران الهی می رسد. عالمان ربّانی و مردان خدا در شمار پدران صنفی طلاب علوم دینی هستند. طلبگی سلسله ای است متصل به عالمان بزرگ، امامان و پیامبران. نسب نامه طلاب به مردان بزرگ تاریخ منتهی می شود و صف طولانی روحانیت تاریخ، قافله سالاری مانند نوح و ابراهیم علیهما السلام دارد.<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۲

---

۱- الکافی، ج ۱، ص ۵۴.

۲- ولایت، رهبری، روحانیت، شهید سید محمد حسین بهشتی، ص ۱۳۹.

۳- ر.ک: هویت صنفی روحانی، محمدرضا حکیمی.

طلبه از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلاله نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام، محمد صلی الله علیه و اله و وارث علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام، و این بس افتخار آمیز و مسئولیت آفرین است. نیاکان صنفی طلبه، انبیاء و اولیا هستند؛ یعنی وظایفی را که آن ها بر دوش داشته اند و خدمتی را که آن ها در جامعه انجام می داده اند، طلبه، در شرایط امروز، بر عهده گرفته است. پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند، طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می شود. پیامبران، مردم را به خدا و تقوی دعوت می کردند، و سخن خدا را به مردم انتقال می دادند، طلبه نیز همین خدمت اجتماعی را برگزیده است. پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش های الهی کوشیدند، وظیفه طلبه نیز همین است. پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند. طلبه هم در همین مسیر گام برمی دارد، و البته پیامبران بدون توقع پاداش، در معرض آزار و توهین و تمسخر مردم قرار گرفتند، طلبه هم باید برای این امور آماده باشد. می توان گفت که طلبه، همکار و همیار امام زمان است و دغدغه های آن حضرت وجود او را نیز فرا گرفته است. دغدغه اسلام و کفر، دغدغه حق و باطل، دغدغه جهان اسلام، دغدغه تحقق جامعه ایدآل اسلامی و دغدغه تربیت انسان های صالح و مقرب. می توان گفت که طلبه سرباز امام زمان است و نیرویی برای تحقق آرمان های آن حضرت، یعنی در لشکر فرهنگی حضرت مهدی مسئولیت خاصی می پذیرد و سنگر خالی ای را پر می کند و به عنوان عضوی از یک مجموعه که امام زمان فرمانده و قافله سالار آن است انجام وظیفه می کند. می توان گفت که طلبه سهم امام است. یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه که تمام وجود او -

تمام دارایی های معنوی، توانایی ها، استعدادها، و ظرفیت های او- متعلق به امام عصر عجل الله فرجه الشریف است و باید طبق فرمان آن حضرت خرج گردد.

طلبه از اینکه در زمره ذریه صنفی اولیای برگزیده خدا است، بر خود می بالد و با عنایت حق باید تلاش کند تا خلف صالحی برای آنان باشد. خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می کند، رفع مهم ترین و حیاتی ترین نیاز انسان ها است. نیاز انسان به معنا، نیاز انسان به انسانیت، نیاز انسان به خدا، نیاز انسان به آسمان، و نیاز انسان به هدایت... و آشناسازی انسان ها با مهم ترین حقیقت هستی یعنی خدا.

به بیان دیگر طلبه امروز، عالم فردا است و عالم دین وارث انبیاء و انبیای الهی مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده اند، مراد از تعلیم، تعلیم کتاب و حکمت (نه آموزش حساب و هندسه و جغرافیا) و مراد از تربیت نیز تربیت معنوی انسان ها (و نه تربیت بدنی، یا تربیت هنری) است. بنابراین طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی تربیتی در جامعه است که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می شود و تلاش می کند.

روحانیت، تنها نهاد اجتماعی است که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده (۱) و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است. خدای متعال برای نیاز جامعه، به کسب و تجارت یا پزشکی و مهندسی یا رانندگی و آهنگری، به صورت مستقیم نیرو نفرستاده است، اما برای رفع نیاز بشر به دین، اخلاق و معنویت ۱۲۴۰۰۰ انسان

ص: ۲۴



صالح، ارسال داشته و آن‌ها را به گونه‌های مختلف، تأیید و هدایت و حمایت کرده است. بعثت پیامبران در پی نیاز انسان‌ها به تعلیم و تزکیه بوده و این نیاز چندان اساسی و بزرگ است که از میان همه نعمت‌ها، خدای بزرگ تنها نعمت بعثت را به رخ انسان کشیده و بر او منت نهاده است.

>هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ <(۱)<

نهاد مقدس روحانیت، در نظام گسترده تقسیم کار اجتماعی، و در شبکه روابط انسانی، متکفل ارائه خدمات ویژه‌ای است. نقش ویژه این سازمان مهم در مناسبت با «دین اسلام» تعریف می‌شود. روحانیت، بالمآل عهده دار وظیفه تعلیم و تربیت دینی نسل‌ها و جوامع انسانی است. روحانی نیز مانند نیاکان صنفی خود - پیامبران و اولیا- یا معلم کتاب و حکمت خواهد بود، یا مربی و مزکی جان‌های آماده. <يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ >(۲) و از او انتظار می‌رود در راه افزایش شناخت، آگاهی و بصیرت دینی، تقویت انگیزه‌های الهی و گسترش رفتار اخلاقی تراز دین در میان مردم تلاش کند.

### کار طلبگی

طلبه می‌تواند از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در

ص: ۲۵

۱- . جمعه، آیه ۲.

۲- . بقره، آیه ۱۲۹.

زمینه های مختلف بهره گیرد و انواع خدمات ارزشمند اجتماعی را بر عهده گیرد. یک روحانی می تواند پزشک باشد و علاوه بر تبلیغ دین به معالجه و درمان مردم بپردازد، روحانی می تواند با کودکان و نوجوانان انس گیرد و به آن ها خط و املا و ریاضی و زبان بیاموزد، روحانی می تواند در یک مؤسسه مالی-اعتباری سهام باشد و در بهبود اقتصاد کشورخویش نقشی ایفا کند. روحانی می تواند به تولید محصولات کشاورزی، دام یا فرآورده های صنعتی اقدام کند، روحانی می تواند خدمات فنی و حرفه ای ارائه دهد... اما هیچ یک از این فعالیت ها، فعالیت صنفی روحانی به شمار نمی رود و به طلبگی، روحانیت، لباس و نقش اجتماعی ویژه او مربوط نیست. هیچ کدام از این گزینه ها از روحانی -از آن جهت که روحانی است- انتظار نمی رود و روحانی به خاطر کاستی و کاهلی در آن هرگز مؤاخذه و ملامت نمی شود. کسی از روحانی توقع ندارد توان آموزش فن رایانه یا هنر خوش نویسی را داشته باشد. کسی توقع ندارد که روحانی پاسخ گوی پرسش های فیزیک و شیمی و جبر و حساب و هندسه باشد. هیچ کس از روحانی برای ساخت یک بنای مسکونی یا تعمیر وسیله نقلیه خود مشاوره فنی نمی طلبد. روحانی مسئول حل معضل ترافیک یا بهینه سازی تجهیزات آزمایشگاهی مدارس نیست.

اگر کسی چنین پندار یا انتظاری از روحانی دارد باید به سرعت آگاه شود که آدمی زاده در این جهان گسترده، با یک دست تنها یک هندوانه می تواند بردارد و توقعی بیش از این، از یک انسان معمولی، منطقی و معقول نیست.

اما در مقابل هر کسی حق دارد روحانی را پاسخ گوی پرسش های دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته

باشد. هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی-دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند. هر کسی می تواند از روحانی انتظار گره گشایی وین بست شکنی در تلاطم های روحی و بحران های فکری اعتقادی داشته باشد. روحانی مسئول دفاع از معارف دینی در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی جبهه کفر است. روحانی باید آموزه های فقهی، اخلاقی و معرفتی اسلام را به خوبی دریافته باشد و نسبت میان آنها را بداند.

از روحانی انتظار نمی رود معلم جغرافیا و زبان انگلیسی باشد. اما به حق انتظار می رود که معلم خوبی برای قرآن و حدیث باشد. حل معضل ترافیک یا ترکیب آلیاژ قطعات صنعتی در حوزه مسئولیت روحانی نیست. اما تجزیه و تحلیل آثار تربیتی- اخلاقی مسائل دنیای جدید، از جمله همین مسئله ترافیک یا توسعه صنعتی بر عهده روحانیان است.

روحانیت اگر تکنیک فیلم سازی یا ترفندهای سینمایی را نداند عیب نیست و قصور از وظایف اجتماعی محسوب نمی شود، اما اگر هنر توسعه دین داری و عبودیت را نداشته باشد، کوتاهی کرده است. روحانی اگر این توانمندی های متفرقه را نداشته باشد حداکثر یک مکانیک یا پزشک یا آهنگر نیست، اما اگر نتواند جامعه را به سمت ارزش های اخلاقی و الهی دعوت کند، «روحانی» نیست.

روحانی حتی به دنبال کسب تخصص در نحو و صرف و فلسفه و تاریخ و روان شناسی و اقتصاد و علوم سیاسی نیست. این علوم گرچه در حوزه های علمیه تدریس می شود و ساعت ها سرمایه انسانی حوزویان را در اختیار خود می گیرد، اما هدف اصلی یک حوزوی هیچ کدام از این ها نیست. روحانی عالم دین است. تمام

تعریف خود را از «مناسبت با دین» دریافت می کند و تمام تعهد خود را در این نسبت به کار می گیرد.

البته روحانیت وظیفه دارد در راه به فهمی دین خدا هر گونه تلاشی را به کار گیرد. انواع فعالیت های علمی (عقلانی، تجربی و...) به هدف کشف آفاق جدید دین خدا از وظایف روحانی است. هدف اصلی او به فهمی دین است و در این راه مقدمات لازم را باید کسب کند، ولی بسیار تفاوت است میان کسی که می خواهد عالم فلسفه و روان شناسی باشد با کسی که فلسفه را در خدمت فهم معارف دین می خواهد. و نیز میان کسی که عالم صرف و نحو است و کسی که صرف و نحو و ادب عربی را در خدمت فهم قرآن و حدیث می خواهد. دانشمند علوم تجربی جدید با دانشمند دین متفاوت است. عالم دین، در پی کشف نظر خدا و در صدد فهم سخن پیشوایان معصوم است و در صرف و نحو و فلسفه و عرفان و روان شناسی به دنبال دست یابی به قرائن و شواهدی است که حقایق و حیانی را بهتر و بیشتر معلوم گرداند، در حالی که عالم فلسفه یا روان شناسی فارغ از دغدغه شناخت وحی به دنبال شناخت حقایق از روش های خاص علوم است.

علاوه بر فهم دین، ابلاغ پیام دین و دفاع از دین، حوزه های علمیه متکفل تحقق دین در جامعه نیز هستند. حوزه پیش از انقلاب توان مهندسی کلان فرهنگی و بنیان گذاری فرهنگ اسلامی در سطح جامعه جهانی را نداشت و از مجاری قدرت اجتماعی و تأثیر گذاری بر کلان جامعه محروم بود، بدین جهت بیشتر به طراحی، توسعه، ترویج و دفاع از نظام معرفتی دین می پرداخت و در کنج ضعف و انزوا و محدودیت به همین مقدار بسنده کرده بود. اما با

پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه اختیار عالمان دین، مسئولیت های سنگین تری بر دوش حوزویان قرار گرفت. حوزه امروز باید در صدد ارائه الگوی همه جانبه اداره جامعه اسلامی - و غیر اسلامی - بر اساس آن نظام معرفتی و حرکت به سوی تمدن سازی اسلامی باشد. تمدن سازی اسلامی یعنی ایجاد یک تحول اجتماعی فراگیر و تلاش برای تشکیل جامعه آرمانی بر اساس نظام آموزه های اسلامی، جامعه ای که در آن کسب معرفت و اجرای احکام فقهی، حقوقی و اخلاقی اسلام، روان و پویا و مستمر باشد. این نسل بر خلاف نسل اول که وظیفه اش به هم زدن بنیان جامعه و فرهنگ کهن آن بوده وظیفه اش پی ریزی یک فرهنگ نو، جامعه نو و تمدن جدید است. بنابراین کارکردها و رسالت های حوزه، پیش و پس از انقلاب، بسیار متفاوت گشته و در پرتو آن نقش ها و کارکردهای طلبه نیز توسعه یافته است.

با این توضیحات، گویا شاخصی برای شناخت کار طلبگی از کارهای دیگر به دست آورده ایم. کار طلبگی کاری است که این رسالت ها را تأمین کند. فعالیتی که مستقیماً این رسالت ها را تأمین کند قطعاً کار طلبگی است. فعالیتی که با واسطه به تأمین این رسالت ها کمک کند نیز اگر هیچ نهاد دیگری نتواند از ایفای آن برآید یعنی قابل واگذاری به اصناف دیگر نباشد، کار طلبگی است. اما اگر در تأمین این اهداف نیاز به چند واسطه داشته باشد و نیز قابل واگذاری به سایر اصناف باشد کار طلبگی به شمار نمی رود مثلاً آشپز یا راننده ای که در اختیار سازمان روحانیت قرار دارد، در نهایت به رسالت های روحانیت کمک می کند، اما کار طلبگی نمی کند. اما ترجمه متون اسلامی که نیاز به تخصص ویژه حوزوی دارد و ممکن

است قابل واگذاری به دیگران نباشد کار طلبگی به شمار می رود، گرچه این فعالیت در تأمین آن غایات، به عنوان یک واسطه عمل می کند.

بینش جدیدی که اینک نسبت به هویت طلبه به دست آورده ایم، شالوده و شناژ برنامه ما را تأمین می کند. زیرا قبل از برنامه ریزی باید موضوع برنامه را بشناسیم. برنامه فعالیت کودک، جوان، معلم، کاسب، راننده و... زمانی به خوبی طراحی می شود که عنوان و وصف او به درستی شناخته شده باشد.

اکنون دریافته ایم طلبه نیرویی است که باید در خدمت رسالت های انبیا، امام زمان و حوزه های علمیه قرار گیرد. از میان این رسالت ها، فهم دین -در حدود ممکن- بر ابلاغ و اجرای دین تقدم دارد و قطعاً دوره زمانی مشخصی را باید به این مهم اختصاص داد. در این دوره، عمده توان و وقت طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به دست آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری، به شرطی در زمره فعالیت های صنفی طلبه قرار می گیرد که در همین راستا باشد.

### نصاب طلبگی

در صفحات پیش با کار طلبگی آشنا شدیم. اکنون می توان فرض کرد که کار طلبگی از کسی غیر طلبه صادر شود. یعنی غیر طلبه به فعالیت های طلبگی و آخوندی مشغول باشد. همان گونه که می توان فرض کرد طلبه به غیر کار طلبگی اشتغال داشته باشد. بنابراین طلبه را صرفاً از فعالیت های طلبگی نمی توان باز شناخت. بدین ترتیب گویا هنوز یک سؤال باقی است؛ این که: طلبه کیست؟ و

چه ویژگی هایی در وجود یک شخص موجب صدق حقیقی عنوان طلبه بر او می گردد؟

مراد از نصاب طلبگی حداقل برخورداری ها و ویژگی هایی است که یک طلبه باید دارا باشد تا طلبه نامیده شود، به صورتی که با کمتر از آن اطلاق عنوان طلبه بر او دروغ یا مجاز است. قدر متیقنی که هر طلبه با هر رویکرد و تخصصی باید داشته باشد که اگر آن را نداشته باشد طلبه به شمار نمی رود. و اگر آن را داشته باشد به هر تخصصی وارد شود مفید و روا است.

مراد از نصاب طلبگی، به عبارتی، جوهره طلبگی است. یعنی آنچه طلبه را طلبه می کند و کمتر از آن برای طلبه روا نیست. یعنی راهی که طلبه پیش از گرایش به هر رشته تخصصی به صورت عام باید بیامد یا دست کم حین تحصیل تخصص نباید از آن غافل شود. بنابراین سؤال این است که کمترین دارایی یک طلبه که شرط لازم و کافی عنوان طلبگی و حد نصاب آن به شمار می رود چه عنصری است؟ گزینه های مختلفی را بررسی می کنیم؛

آیا برای صدق حقیقی عنوان طلبه، لباس روحانیت کافی است؟ بی تردید نه! نه هر کس این لباس را دارد به حقیقت روحانی است و نه هر کسی در این لباس نیست از وصف روحانیت محروم است.

آیا تقوا و معنویت و سلوک برای صدق عنوان طلبگی کافی است و هر مؤمن متقی اهل معنایی را می توان طلبه نامید؟ خیر! گرچه تقوا و معنویت شرط لازم طلبگی است، اما هرگز نمی توان ادعا کرد که این شرط برای طلبه کافی است. مثلاً بزرگانی مانند پیر پالان دوز رح یا مرحوم دولابی رح که طلاب و اهل علم در امور معنوی از محضرشان بهره می گرفتند خود طلبه نبوده اند.

آیا تبلیغ آموزه های دینی برای این منظور کافی است و هر کس به کار انتقال پیام خدا مشغول باشد طلبه است؟ اگر چنین باشد کارمند رادیو معارف، نویسنده و کارگردان سریال های دینی، و آن راننده تاکسی که برای مسافران خود آیات و روایات را بیان می کند و اطلاعات دینی خود را در اختیار دیگران قرار می دهد نیز باید طلبه باشند. آیا چنین است؟ خیر! این کسان به نحو تخصصی به این موضوع نمی پردازند و هر یک از اعضای صنف دیگری هستند.

آیا خدمت به دین خدا یا عزم آن برای طلبگی کافی است؟ یعنی هر کس در مسیر خدمت به دین و پاسداری از وحی قرار دارد طلبه است؟ خیر! بسیاری از اعضای اصناف دیگر نیز به دین خدا یاری می رسانند و به نیت انجام وظیفه الهی و واجب کفایی در جامعه اسلامی خدمت می کنند، در حالی که هیچ یک طلبه نیستند. دست کم در خود حوزه های علمیه کارمندان ادارات، نگهبانان و آشپزها که خالصانه به نظام طلبگی خدمت می کنند و بالمآل در مسیر اهداف امام زمان قرار گرفته اند، عنوان طلبه ندارند و از صنف طلبگی به شمار نمی روند.

آیا تفقه و اجتهاد به معنی آشنایی با دانش های حوزوی و توان استنباط گزاره های شرعی از قرآن و حدیث برای طلبگی لازم و کافی است؟ یعنی طلبه حقیقی کسی است که مجتهد و فقیه باشد و هر کس این توان را به دست نیاورده باشد یا دست کم در مسیر تحصیل آن نباشد حقیقتاً طلبه نیست؟ مثلاً طلبه ای که مقداری درس خوانده و به هر دلیل از دست یابی به توان فقاقت و اجتهاد محروم مانده اما به کار تبلیغ در شهر خود مشغول است حقیقتاً طلبه به شمار نمی رود. آیا چنین است؟ بنا بر این گزینه، بیش از ۸۰ درصد



طلاب علوم دینی که مجتهد نیستند اما در کسوت روحانیت به رسالت های این نهاد مقدس تلاش می کنند و افتخار می آفرینند باید از زمره طلاب خارج گردند و این البته فرض بعیدی است. از سوی دیگر هر مجتهدی را نیز نمی توان به حقیقت طلبه نامید. زیرا برای صدق حقیقی عنوان طلبگی شرایط دیگری نیز وجود دارد. اثبات این مطلب در ادامه خواهد آمد.

آیا مجموعه و پیوستاری از این صفات شرط لازم و کافی برای طلبگی به شمار می رود؟ با چه میزان و چه ترکیبی؟

کمترین وابستگی به نظام روحانیت با ثبت نام در حوزه های علمیه و داشتن پرونده پرسنلی تحقق می یابد. یعنی طلبه با تشکیل پرونده در مدیریت حوزه از حیث قانونی و اعتباری طلبه شناخته می شود و مشمول آنچه که به طلبه تعلق می گیرد می گردد. هر چند درس نخواند و تقوا نداشته باشد.

در نظر توده مردم نیز کسی که به صورت غالبی لباس روحانی بپوشد طلبه است. هر چند کارمند دفتر یک اداره یا کاسب باشد. به همین جهت در میان مردم انتظارات خاصی از او رقم می خورد. (۱)

اما سخن ما در اطلاق حقیقی عنوان طلبه بود نه اطلاق پرتسامح عرفی یا شمول قانونی. به همین جهت لازم است ویژگی های طلبه را به دقت بیشتری بررسی کنیم.

به نظر می رسد که از نظر جامعه شناختی انتساب حقیقی به این صنف -مانند همه اصناف دیگر- در صورتی است که شخص عمده

ص: ۳۳

---

۱- . به نظر دقیق صرف داشتن لباس روحانیت تبلیغ دین است. این موضوع به صورت تفصیلی در کتاب لباس روحانیت؛ چراها و بایدها آمده است.

زمان و توان خود را به کارکردها و رسالت های این صنف اختصاص دهد. هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است. یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهمو تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند.

قابل ذکر این که ارتباط با منابع دینی و فهم و تبلیغ و پاسداری و اجرای آن وظیفه ای نیست که اختصاص به طلبه داشته باشد. همه انسان های مؤمن نسبت به پیام خدا احساس مسئولیت دارند و برای بندگی خدای متعال در فهم آموزه های دینی تلاش می کنند، تفاوت طلبه با دیگران در این است که طلبه این مسئولیت را به عنوان رسالت صنفی خود گرفته و کل خدمات صنفی خود را در آن متمرکز کرده و زمان و توان خود را بیشتر به آن اختصاص داده است در حالی که سایر مردم بیشتر به کارها و خدمات دیگر مشغول اند و تنها در حاشیه، به امر دین می پردازند. یعنی مأموریت محوری طلبه در حوزه معارف دینی تعریف شده و این گونه نیست که به صورت تفننی و در حاشیه به آن پردازد. نظیر این که یک پزشک، عمده نیرو و زمان خود را به فهم و تجزیه و تحلیل و انتقال و استفاده از آموزه های بهداشتی درمانی اختصاص می دهد در حالی که نیاز توده مردم به آموزه های بهداشتی و پزشکی کاملاً در حاشیه فعالیت های روزمره تأمین می شود. یک مکانیک ممکن است آشپزی آموخته باشد و

گاهی نیز آشپزی کند اما این مقدار برای آشپز بودن کافی نیست، زیرا مأموریت محوری او آشپزی نیست و می تواند به صورتی کاملاً حاشیه ای و تفننی به آن بپردازد، او عمده زمان و توان خود را به مکانیکی می گذراند نه به آشپزی و همین مسئله باعث می شود که در مکانیکی تخصص و مهارت بالاتری نسبت به آشپزی به دست آورد و خدمات بیشتری ارائه کند.

اکنون با هویت طلبه آشنا گشته ایم و می توانیم طلبه را از غیر طلبه بازشناسیم. طلبه کسی است که عمده زمان و توان خود را صرف رسالت های نهاد روحانیت گرداند. وابستگی چنین کسی به حوزه علمیه و صنف روحانی حقیقی است. در حالی که کسی که درس حوزه خوانده و لباس روحانی پوشیده ولی به کسب و کار، ویرایش یا فعالیت اداری مشغول شده، وابستگی اش به حوزه مجازی و به قول ادیبان به اعتبار ما کان است و وابستگی کسی که هرگز درس حوزه نخوانده، ولی لباس روحانی به تن می کند کاملاً دروغین است.

اکنون این فرمول را کمی توسعه و تفصیل می بخشیم. این فرمول معیاری کمی و ظاهری است. کسی که عمده زمان و توان خود را به کار روحانیت یعنی فهم و تبلیغ و اجرا و دفاع از دین خدا اختصاص داده باشد از نظر جامعه شناختی حقیقتاً متعلق به این صنف به شمار می رود اما مانند همه اصناف دیگر معلوم نیست در کار خود کامیاب و کارآمد باشد. مثلاً کسی که عمده نیرو و زمان خود را به رانندگی یا پزشکی می گذراند الزاماً معلوم نیست راننده یا پزشک موفق باشد. همچنین معلوم نیست احساس هویت کند یعنی به رغم تغییرات درونی و بیرونی و تحولات فردی و محیطی خود را

همواره متعلق به این صنف و ارزشمند بشمارد. اکنون به معیارهای کیفی طلبگی می پردازیم:

برای آن که فرد در اختصاص زمان و توان خود به رسالت های حوزوی کامیاب باشد و احساس تعلق مستمر نیز به این نهاد داشته باشد، لازم است سه وصف تفقه، تزکیه و ایفای نقش اجتماعی را به شرح ذیل داشته باشد؛

تفقه یا دین شناسی: طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل، موزون و متناسب آشنا باشد. اگر فرض کنیم طلبه شناخت متوازی از دین خدا نداشته باشد نمی تواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند. یعنی در صورتی که طلبه موضوع فعالیت های خود را نشناخته باشد نمی تواند بدان خدمت کند. این تفقه یا دین شناسی به معنای اجتهاد نیست. بلکه با اجتهاد نسبت عموم و خصوص من وجه دارد. یعنی برخی از دین شناسان، مجتهد و برخی از مجتهدان دین شناس نیستند. توضیح بیشتر این مطلب در دفتر پنجم بحث انتخاب گرایش تحصیلی آمده است.

تزکیه: طلبه باید در راستای ایفای نقش اجتماعی سنگین خود به پالایش روحی پرداخته باشد و از ایمان سرشار و اخلاق فاضله برخوردار باشد. هر چه این صفت در وجود طلبه بیشتر باشد در هویت صنفی خود استوارتر خواهد بود. زیرا تقوا و تهذیب نفس هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه دینی بسیار نقش آفرین است و هم خود مصداق تحقق عینی دین به شمار می رود.

ایفای نقش اجتماعی: طلبه باید دغدغه خدمت به جامعه را داشته باشد و تلاش های خود را معطوف به نیازهای اجتماعی -

یعنی چیزی علاوه بر بهره شخصی خود- رقم زند. اگر فرض کنیم که طلبه از دین شناسی و تقوا برخوردار باشد وعمده زمان و توان خود را صرف این امور کند اما اثری در جامعه نداشته باشد، انتساب او به صنف روحانیت کارآمد نیست. مانند کاسبی که تنها به اندازه نیاز روزمره خود جنس به مغازه می آورد. یا راننده تاکسی ای که تنها خانواده خود را جابجا می کند!

برای بررسی دقیق تر این ویژگی ها در وجود طلبه لازم است تمام احتمالات ممکن از ترکیب این سه صفت را در وجود شخصی که عمده زمان و توان خود را به امر دین اختصاص داده، ترسیم کنیم و به صورت مقایسه ای نسبت به آنان داوری کنیم. این صور ممکن، جمعاً هشت احتمال را تشکیل می دهند که برترین صورت آن کسی است که هر سه صفت تفقه، تقوا و نقش اجتماعی را دارد و پست ترین صورت آن کسی که تقوا و تفقه ندارد اما به ایفای نقش اجتماعی می پردازد.



شاید هر طلبه ای در امتداد نگاه به آینده با این پرسش ها روبرو شده باشد که یک طلبه سرانجام چه جایگاه اجتماعی ای پیدا خواهد کرد و چه سرانجامی خواهد داشت؟ چه نقش ها و شئون اجتماعی در انتظار او است؟ کارکردهای طلبه، و خدمات تخصصی ای که می تواند ارائه دهد، آینده کاری او و مأموریتی که باید بر عهده گیرد، غایات و مقاصدی که بر طلبگی مترتب است، اهداف کاری، و آفاق طلبگی یعنی افق های دوردستی که شایسته است یک طلبه برای انتهای مسیر خود در نظر گیرد چیست؟ و به دیگر زبان شئون تخصصی حوزویان و تیپ های تخصصی در عالم طلبگی کدام اند و چگونه طبقه بندی می شود؟

برای پاسخ به این سؤال از دو راه می توان پیش رفت؛ راه اول مسیر استقرایی -از جزئی به کلی- است. یعنی با نظر به عملکرد شخصیت های روحانی موفق و خدمات تخصصی ای که طلاب در جامعه امروز بر عهده گرفته اند، فهرستی تفصیلی و جامع از نقش های اجتماعی حوزویان پدید آوریم و به صورتی پس آرا آن ها را طبقه بندی و بسامان کنیم. راه دوم این است که به صورت پیش آرا

و قیاسی - از کلی به جزئی - حرکت کنیم. یعنی نظام جامع رسالت های حوزه را به دست آوریم و در امکانات محیطی و شرایط روز ضرب کنیم. این حرکت به یک آرایش پیشین منطقی از انواع فعالیت های حوزه خواهد رسید که تکرار و تداخل در آن وجود ندارد و قابل تطبیق بر انواع فعالیت های موجود می باشد. گویا بهترین روش این است که این دو حرکت را به صورت تلفیقی و مکمل دنبال کنیم. یعنی یک بار از آرمان ها و غایات طلبگی آغاز کنیم و برای آن که تمام آن مقاصد محقق گردد وظایف، نقش ها و تخصص هایی برای طلاب تعریف کنیم و یک بار نظر به انواع عملکرد های موفق موجود کنیم و از میان آن نقش های تخصصی طلاب را تعریف کنیم. سپس حاصل این دو را با هم تلفیق نماییم.

در پاسخ به موضوع آینده کاری طلبه پیش از پرداختن به فروع و جزئیات، و ارائه بحث های عمیق و طولانی، لازم است یک جواب کوتاه و رسا و گویا داده شود تا طلبه، گرفتار کثرت ها و فروع نگردد و تکلیف خود را در یک جمله دریابد. این یک جمله پاسخ فوری و اجمالی به آن نیاز است که همواره در ذهن می ماند و سنگ محکی برای آزمودن جزئیات خواهد شد. (۱)

ص: ۴۰

۱- یکی از نیازهای بزرگ امروز حوزه، داشتن کتاب های مرجع و متون تفصیلی غنی در پاسخ به سئوالات کوچک طلبه است. متون و منابعی که به صورت کاملاً جامع، اطراف و اکناف مسئله را کاویده و شقوق و فروع و احتمالات و آرا را طرح کرده باشد و در یک بررسی عالمانه به داوری نهایی نیز منتهی شده باشد. نوع آثاری که تاکنون در باره مسائل طلاب نوشته شده تنها از یک زاویه به مسئله پرداخته و نسبت به رویکردهای مخالف کاملاً خاموش است. به همین جهت طلبه با مطالعه آنان توان مقابله با ادله مخالف را ندارد. اخیراً در یک اقدام رو به جلو، برخی از نشریات حوزوی با مصاحبه های متنوع رویکردهای مختلف در یک مسئله را طرح و استدلال های هر یک را ذکر کرده اند. اما داوری نهایی را بر عهده خود طلبه نهاده و نبرد میان استدلال ها را مدیریت نکرده اند. قدم کامل تر این است که این استدلال ها در یک متن تفصیلی مرجع عرضه و کالبدشکافی شود و به قضاوت نهایی نیز بینجامد که طلبه از سرگردانی و حیرت نجات یابد و از آوار نظرات متعارض رها گردد. علی رغم این نیاز مبرم و در عرض آن باید توجه کرد که نمی توان طلبه را برای دریافت پاسخ هر سؤال کوچک، به متون قطور و حجیم ارجاع داد و راه یابی او را منوط به مطالعه صدها صفحه کتاب دانست. لازم است که پاسخ های مختصر و گویا -از مقوله فست فود- نیز وجود داشته باشد که کار امروز طلبه را به سرعت راه بیندازد. متون کاربردی مختصر و مفیدی که در کمترین زمان به القای بیشترین محتوا بینجامد. این توصیه ابداً به معنای جویده جویده طرح کردن مطلب و فرار از استدلال عمیق نیست. آن متون مختصر، طرح های اجمالی و پاسخ های فوری، حتماً باید به پشتوانه آن متون تفصیلی و بررسی های جامع باشد و اعتبار خود را از تحقیقات سنگین و روشمند یافته باشد. اما در مقام عرضه به صورت بسیار فشرده در یک کپسول کوچک رنگین ارائه شود. در همان حال به طلبه سفارش می شود که متناسب با اهمیت موضوع برای کشف پاسخ تفصیلی و جوانب آن به متون مفصل نیز مراجعه کند.



اگر بخواهیم به این سؤال یک جواب فوری و کوتاه دهیم و در یک جمله آینده کاری طلبه را معلوم گردانیم، باید همان گونه که در صفحات قبل نیز گفتیم این دو گزاره را به هم پیوند دهیم.

الف) «انَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

ب) «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>(۲)</sup>.

اگر علمای دین وارثان پیامبران هستند و پیامبران مأموریت تعلیم و تربیت را برعهده داشته اند، طلبه در آینده کاری خود یا معلم است و یا مربی. طلبه یک عنصر فرهنگی است که به کار تعلیم و

ص: ۴۱

---

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲- . جمعه، آیه ۲.

تربیت انسان ها اشتغال دارد.

این پاسخ فشرده را به صورتی کاملاً استقرایی می توان تفصیل داد و تیپ های تخصصی حوزویان را این گونه ترسیم کرد:

۱. محققان علوم دینی که به صورت تخصصی در زمینه های زیر به تولید علم و پژوهش مشغول اند؛

- استنباط و تبیین عقاید اسلامی و نگرش های کلان دین: فلسفه، کلام، و ... .

- کشف و تبیین نظام های کلان دینی (سیاسی، اقتصادی، قضایی، مدیریتی، تربیتی، حقوقی، و...)

- کشف و تبیین فرهنگ و ارزش های دینی: معنویت، اخلاق، آداب، سبک زندگی، ... .

کشف و تبیین قانون دینی و احکام فقهی.

۲. مروجان و مبلغان آموزه های دینی به صورت:

استاد اخلاق؛ مبلغ و گوینده مذهبی (برای عموم مردم)؛

مبلغان تخصصی (برای کودکان، نوجوانان، جوانان، دانشجویان، سربازان، ورزشکاران، کارگران، زندانیان، کشورهای خارجی، کاروان های زیارتی، و...؛ نویسنده و مؤلف؛ مدرّس (حوزه، دانشگاه، مدارس)؛ مربی (کودکان، نوجوانان، جوانان، و...؛ محققان میانی؛ امام جماعت و مدیر مساجد، حسینیه ها و هیئت های مذهبی؛ مشاورین تخصصی مانند مشاور امور خانواده (روحانی خانواده)، تربیت فرزند، مشاور اصناف، مشاور تولیدکنندگان آثار هنری مذهبی، و...)

۳. متصدیان مناصب اجرایی مختص حوزویان مانند:

ولایت فقیه (مرجعیت دینی، سیاسی، اجتماعی)؛ مقام افتا و

مرجعیت دینی (به معنای رایج کنونی)؛ مدیران فرهنگی اجتماعی مانند نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه و نیروهای انتظامی؛ قضاوت؛ مدیریت مدرسه یا حوزه علمیه

## ویژگی های کنونی حوزه

قبل از آن که به ترسیم طرح کلان فعالیت طلبه پردازیم بسیار مناسب است با موقعیت طلبه در واقعیت های موجود آشنا شویم. آشنایی با شرایط کنونی حوزه و روحانیت، در حکم شناسایی موقعیت جوی و جغرافیایی منطقه است که در طراحی نقشه نهایی برنامه زندگی طلبه تأثیر مهمی دارد.

## بحران منابع انسانی

در میان مردم عادی - خصوصاً در مجاورت مراکز حوزوی - گاهی تصور می شود «فراوانی طلاب علوم دینی به اندازه کافی پاسخ گوی نیاز جامعه هست و امروزه استقبال از سایر رشته های علمی یا حرفه ها و صنایع، اهمیت بیشتری دارد.» این تصور، نزد اهل اطلاع، قضاوتی نابهنگام و تصویری به شدت مخدوش است زیرا:

۱. همه ساله بیش از یک میلیون نفر از جوانان کشور، متقاضی ورود به دانشگاه ها هستند و در رقابتی سنگین صدها هزار نفر جذب رشته های دانشگاهی می شوند. این در حالی است که متقاضی علوم حوزوی در هر سال تنها چند هزار نفر و مجموع پذیرفته شدگان فقط کسری از این گروه است. جذابیت های متراکمی که تحصیل دانشگاهی را در نظر جوان خوش رنگ و نما می گرداند به ضمیمه مخالفت برخی از خانواده ها با تحصیل فرزندان خود در حوزه و منع

شدید آنان، به توزیع نابرابر نیروی انسانی دامن می زند.

۲. تخصص های دانشگاهی عمدتاً درصدد رفع نیازهای جسمی و مادی بشر، و تخصص های حوزوی عمدتاً ناظر به ابعاد تربیتی و معنوی انسان است. بُعد ناپیدای وجود آدمی که فصل مقوم ماهیت انسان و حقیقت وجودی اوست به همان نسبت که «اهمیت» افزون تری در مقابل جانب خاکی و مادی او دارد، دارای پیچیدگی بیشتری است. طبعاً «شناخت» آن هم بسیار دشوارتر و «مشکلات» آن فراوان تر و صعب‌العلاج تر است. با این وصف (اهمیت بیشتر، شناخت دشوارتر و مشکلات فراوان تر) نیاز به کارشناسان و متخصصان ورزیده ای که در سایه آموزه های آسمانی به شناخت ابعاد روحی و معنوی انسان دست یازند و در حل و رفع این دسته از مشکلات به کار آیند، نیازی اساسی است و نیروی انسانی شایسته و فراوانی می طلبد.

۳. بخش عمده ای از نیازهای جامعه ما که اینک توسط متخصصان دانشگاهی مرتفع می گردد، در شرایط اضطراری از سایر کشورها نیز قابل تأمین و تدارک است. در ایام دفاع مقدس، شمار قابل توجهی از پزشکان و متخصصان دیگر مناطق دنیا در کشور ما به ارائه خدمات اشتغال داشتند. این درحالی است که نیاز ما به صاحب نظران دینی، جز از طریق حوزه های علمی شیعی قابل حل نیست. اکنون حوزه، باید پاسخ گوی نیاز فراوان همه دنیا به علوم اهل بیت باشند. امروزه دست نیاز مجامع علمی معتبر دنیا به آخرین دست آوردهای حوزوی ما دراز است. کرسی های خالی اسلام شناسی و شیعه شناسی دانشگاه های مهم جهان متقاضی حضور روحانیان شایسته و تواناست. مراکز فرهنگی مسلمانان در

نقاط مختلف پنج قاره دنیا در تکاپو برای دعوت از اندیشمندان و مبلغان، در ارتباط دائم با حوزه های علمی ما هستند، و خلاصه پس از انقلاب اسلامی در ایران، همه انسان های حق جو در سراسر جهان در عطش فهم پیام آخرین پیامبر، رو به سوی ما دارند. ادعای بزرگ انقلاب اسلامی این بود که اسلام پاسخ گوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان از گهواره تا گور می باشد و این نیازها را تا دامنه قیامت تأمین می کند. ارائه دستورالعمل جامع حیات بشر براساس وحی محتاج پژوهش های عظیم و تلاش فراوان است که نیروی کارآمد حوزوی باید به آن پردازد.

۴. فرهنگ و تربیت جامعه به متولی نیاز دارد. در محیط کوچک خانواده، خدای متعال یک عنصر فرهنگی و تربیتی که «مادر» نام دارد را در کنار یک عنصر اقتصادی که «پدر» نام گرفته، قرار داده و پدر را مأمور کرده که نگرانی اقتصادی خانواده را برطرف سازد تا مادر فارغ البال و بدون دغدغه معیشت در یک محیط آرام، به وظیفه تربیت پردازد. در محیط بزرگ جامعه، آیا به یک نهاد فرهنگی و تربیتی نیاز نیست؟<sup>(۱)</sup>

ص: ۴۵

---

۱- مشخص است که برای برپا ماندن این نهاد فرهنگی-تربیتی بودجه ثابتی باید در نظر گرفته شود، همانطور که تأمین نیازهای مادی به صرف هزینه ای وابسته است. آن چه که به عنوان شهریه و کمک هزینه تحصیلی به طلبه ها داده می شود پاسخ به همین نیاز است. امروزه در همه جای دنیا برای آموزش و بهینه سازی منابع انسانی در قالب بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی بودجه های میلیونی و میلیاردی خرج می شود و البته در مقابل، نیروهای توانا و کارآمدی که به دست می آیند در توسعه مطلوب آن مراکز بسیار مؤثرند. به واقع بودجه ای که برای تحصیل طلبه ها از محل وجوهات شرعی قرار داده شده است بودجه ای است که خدای متعال و امام زمان برای بورسیه دانشجویان علوم دینی قرار داده اند تا از رهگذر آن، نیروهای کارآمد و توانمندی تربیت شوند و در نشر دین اسلام و ترویج فرهنگ محمدی نقش ایفا کنند.

۵. برای ساختن یک ساختمان معمولی، به ده ها نیروی کاری متخصص نیاز داریم؛ مهندس، معمار، کارگر، لوله کش، آهنگر، برق کش، نقاش، کابینت ساز و... یقیناً برای ساختن یک جامعه اسلامی و بنای یک تمدن تاریخی بزرگ بر اساس اسلام، به ده ها هزار نیروی دین باورِ زمان آگاه و ارسته احتیاج داریم. و این نیروها در محیط حوزه علمیه پرورش می یابند.

۶. فقدان چهره های ممتاز و استوانه های علمی و معنوی حوزه در مبارزات قبل از انقلاب و حوادث پس از پیروزی و نیز عزم راسخ دشمنان بر از بین بردن شخص یا شخصیت بزرگان دین در شرایطی که اندیشه دینی در میان نسل جوان دستخوش طوفان شدید فتنه ها و امواج متلاطم شبهات گشته این نیاز را افزون تر نموده است. (۱)

۷. درگیری با انبوهی از شبهات تاریخی که از فضای فکری غرب یک باره به زبان بومی ما ترجمه و به جامعه ما سرازیر شد بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای نخبه حوزه را مشغول به فعالیت های حاشیه ای نموده و از رسالت اصلی خود منحرف گردانده است. گرچه همین مبارزه، برکات فراوانی در پی داشته است.

ص: ۴۶

---

۱- . توطئه قدرت های بزرگ برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان، تحریف اعتقادات اصیل، تغییر فرهنگ ناب اسلامی و تضعیف روحانیت -به عنوان سردمدار مبارزه با استکبار جهانی- بیش از آن است که در این مختصر به آن اشاره شود. مطالعه کتاب «خاطرات مستر همفر» جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی برای آشنایی با نوع فعالیت های آنان بسیار مفید است.

۸. تحقیقات جدیدی که پس از انقلاب در دستورکار حوزه قرار گرفته و موج موضوعات نوینی که بررسی آن ها از منابع دینی، تازه آغاز گشته یا پس از این باید آغاز گردد، تولید و تدوین دانش های جدید دینی که غالباً ناظر به ابعاد اجتماعی اسلام می باشد، و نیز؛

۹. مسئولیت های سترگ اجرایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر دوش حوزویان نهاده است از عواملی است که نیاز به نیروی انسانی را در این شاخه از فعالیت ها روشن تر می نماید.

۱۰. آشنایی با دین الهی به عنوان پدیده ای بسیار عظیم، دارای معارفی عمیق و روابطی بسیار پیچیده، فرایندی دراز مدت است. به همین جهت مراحل پرورش نیروی کارآمد حوزوی در مقایسه با سایر مراکز علمی بیشتر و نیازمند زمانی درازتر است. تحصیل حوزوی ۱۵ تا ۲۰ سال استقامت و تلاش نیاز دارد. این واقعیت پیامدهای ناگواری بر جای می گذارد که شایسته بررسی و تأمل است:

- اضطراب و نگرانی ابتدایی و تزلزل همت متقاضیان ورود به حوزه بر اثر دوردست جلوه کردن هدف.

- خستگی و دلزدگی طلاب در اواسط مسیر و در نتیجه جدا شدن از خانواده حوزه.

- غفلت از هدف اصلی، ورود در حواشی و فرعیات و پرداختن به اموری که مستقیماً رسالت حوزه محسوب نمی شود.

طلبه به مراتب بیش از دانشجو به استقامت نیاز دارد. یکی از دلایل آن این است که دانشجو پس از یک دوره تحصیلی ۴ یا ۷ ساله خود را در پایان راه تلقی می کند. اما طلبه پس از سال ها تحصیل خود را همچنان در آغاز راه می نگرد.

۱۱. علاوه بر همه این عوامل نرخ ریزش همین تعداد اندک از

طلاب که در چنین فضای سنگینی افتخار طلبگی یافته اند بسیار بالاست. پاره ای به جهت دلزدگی و بی انگیزگی و پاره ای به جهت دشوار بودن مواد درسی، گروهی بر اثر فشار اجتماعی و گروهی دیگر بر اثر مشکلات اقتصادی - خصوصاً پس از تشکیل خانواده- و گروهی به دنبال جذابیت مراکز دیگر یا فقدان برنامه متناسب با نیاز در حوزه یا.. از حوزه فاصله می گیرند.

با این وصف، هر یک از طلاب علوم دینی در بحران شدید نیروی انسانی، گوهر گران بهای کمیابی محسوب می شود و در موقعیت استثنایی و ممتازی قرار گرفته است که با تلاش مضاعف باید جای خالی دیگران را پر کند و به رفع کاستی ها همت گمارد. دشواری شرایط فرهنگی به ضمیمه ندرت نیروهای توانمند، مسئولیت بیشتری برای او آفریده است.

بدین ترتیب روشن است که نظام روحانیت و حوزه های علمیه، وظایف بسیار متنوعی بر دوش دارند که هر گونه استعداد و توانایی را می توانند به خدمت بگیرند. با شرایطی که توصیف شد، هیچ کس نمی تواند بگوید من استعداد طلبگی را ندارم. همه انواع روحيات و استعداد ها می توانند به کار خدمت دین بیایند و در نظام روحانیت مورد استفاده قرار گیرند. گرچه مسئولان حوزه نیز موظف اند که امکانات محدود موجود را خرج بهترین ها کنند، و در مراحل گزینش و پذیرش دقت نظرهای فراوانی به کار گیرند.

### **حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین**

حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با معارف اسلام است. هیچ مرکز دیگری در سراسر جهان وجود ندارد که در آن به صورت رسمی و با



برنامه ای جامع، با فرهنگ دین و سخن پیشوایان معصوم، بتوان آشنا شد. از این نظر شرایطی که برای طلبه پدید می آید بسیار مغتنم و قابل استفاده است.

حوزه ها -مانند همه سازمان ها، ادارات و مراکز دیگر- تا رسیدن به نقطه مطلوب و رفع همه نقاط ضعف، فاصله ای طولانی در پیش دارند. اما همه کسانی که نقاط ضعف و کاستی های آن را گوشزد می نمایند، باید به این مسئله به خوبی توجه کنند و توجه دهند که هیچ سازمان و مرکز دیگری، رسالت عظیم حوزه و کارکرد آن را نمی تواند عهده دار شود. حوزه، علی رغم همه کاستی ها و بایسته ها، برای اسلام شناسی و درک عمیق فرهنگ دین، بهترین شرایط را فراهم می کند. البته در میان حوزه های مختلف، خوب و بهتر وجود دارد و هر کسی موظف است شرایط رشد و تحصیل بهتری برای خود ایجاد کند و از فرصت ها و امکانات بیشتری بهره برداری نماید. اما به هر حال محدودیت و کاستی در همه جا وجود دارد. هنر آن نیست که پس از تأمین همه شرایط و امکانات حرکت کنیم. هنر آن است که در تنگناها و محدودیت ها بهترین استفاده را نماییم. اگر بخواهیم منتظر اصلاح همه کاستی ها و مطلوب شدن همه موجودها باشیم تا پس از آن، اقدام را آغاز کنیم، باید بدانیم که هیچ وقت به چنین نقطه ای نخواهیم رسید.

همیشه ایده آل های ما از واقعیت موجود فاصله دارد. پس عاقلانه تر آن است که به جای تقاضای توسعه امکانات، به بهره گیری از امکانات موجود توجه کنیم و با اراده و اختیار خود گره های بسته را باز نماییم.

نظام آموزشی و پرورشی امروز حوزه در کنار همه کاستی ها،

امتیازات چشم گیری نیز دارد. در این مجموعه با همین امتیازات، شخصیت های برگزیده فراوانی رشد یافته و رسالت پیامبران الهی را بر دوش گرفته اند. نه وجود چنین برگزیدگانی بهانه موجهی برای عدم اصلاح کاستی های حوزه است و نه وجود آن کاستی ها، بهانه موجهی برای نفی کامل حوزه.

استاد شهید مطهری؟ رح؟ در این باره می فرمایند:

«لازم است روحانیت را اصلاح کرد نه این که آن را از بین برد. ثابت نگاه داشتن سازمان روحانیت در وضع فعلی نیز به انقراض آن منتهی خواهد شد. این مطلب را حدود ۱۰ سال است که بارها و بارها تکرار کرده و گفته ام که روحانیت یک درخت آفت زده است و باید با آفت هایش مبارزه کرد. کسی که می گوید دست به ترکیب این درخت نزنید معنای سخنش این است که با آفت های آن هم مبارزه نکنید و این باعث می شود که آفت ها، درخت را از بین ببرند. آن کسی نیز که می گوید اصلاً این درخت را باید از ریشه کند اشتباه بزرگی مرتکب می شود. زیرا اگر این درخت کنده شود دیگر هیچ کس قادر نخواهد بود تا نهال جدیدی به جای آن بکارد».<sup>(۱)</sup>

امروزه هر یک از عناصر برنامه آموزشی حوزه، متولی سرسختی برای مخالفت، پیش رو دارد. اگر مجموع این مخالفت ها را گرد هم آوریم چیزی از نظام آموزشی حوزه باقی نخواهد ماند! درحالی که این گونه نیست. همین متون و همین کتاب ها، دست مایه

ص: ۵۰

دانشمندان دین در آشنایی با آموزه های مکتب انبیاء بوده است.

تکامل این نظام آموزشی و بهبود کیفیت آن همواره مد نظر مصلحان و دلسوزان قرار داشته، اما همان بزرگان بارها تأکید کرده اند که موجودی خود را نباید به جرم نداشتن پاره ای کمالات، یک باره از دست داد!

بدترین اثری که این انتقادات و اعتراض ها بر بدنه جوان حوزه وارد آورده، از بین بردن ایمان و اعتقاد آن ها به استحکام این بنیان رفیع است. ایمان و اعتقاد به فعالیتی که انجام می دهیم، موتور حرکت و پویای ماست. «شبهه» این موتور را سرد و خاموش و ما را از حرکت متوقف می سازد و خود، توجیه فریبنده ای برای سستی و کاهلی قرار می گیرد.

### **بایسته های طلبگی**

اکنون که با فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت و فضای عمومی حوزه های علمیه آشنا شدیم، به بررسی مهم ترین هنجارها و بایسته های دنیای طلبگی می پردازیم.

### **شکبیایی و پایداری**

مسیر طلبگی استمرار راه انبیاء است و طلبه در راهی قدم نهاده که پیش از او سفیران الهی و بهترین بندگان او آن راه را طی کرده و پشت سر نهاده اند. راهی بس پرشکوه و پر حماسه، راهی سرشار از عظمت و افتخار، راهی سراسر افتخارآمیز و غرورآفرین، راهی هموار و در عین حال دشوار.

پیامبران الهی در راه انجام وظیفه خود، مشکلات فراوانی تحمل

کردند، ولی هیچ گاه تراکم این مشکلات آنان را از میدان بیرون نکرد. مشکلاتی مانند:

۱. انواع فحش ها و توهین ها: دیوانه، شاعر(۱)،

جادوگر(۲)،

کاهن(۳)،

احمق(۴)،

دروغ گو، متکبر، گستاخ(۵)، گمراه(۶)،

حیله گر(۷)،

مفسد، خرابکار(۸)،

متکبر، برتری جو(۹)

و...

۲. گونه های مختلف تمسخر و بی اعتنایی. (۱۰)

۳. فال بد زدن و عامل بدبختی دانستن. (۱۱)

ص: ۵۲

---

۱- <و يقولون أننا لنأركوا آلتهنا لشاعر مجنون > صفات، آیه ۳۶.

۲- <كذلك ما أتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر أو مجنون > (ذاریات، آیه ۵۲).

۳- <فما أنت بنعمه ربك بكاهن > طور، آیه ۲۹.

۴- <انا لنراك في سفاهه > اعراف، آیه ۶۶.

۵- <بل هو كذاب أشرك > قمر، آیه ۲۵.

۶- <انا لنراك في ضلال مبين > اعراف، آیه ۶۰.

۷- <ان هذا لمكر مكرتموه > اعراف، آیه ۱۲۳.

۸- <أأندر موسى و قومه ليفسدوا في الارض > اعراف، آیه ۱۲۷.

۹- <فقال الملاء الذين كفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلكم يريد ان يتفضل عليكم > مؤمنون، آیه ۲۴.

۱۰- <انهم اناس يتطهرون > (اعراف، آیه ۸۲) <لئن اتبعتم شعيباً انكم اذاً لخاسرون > (اعراف، آیه ۹۰) <مانراك الا بشراً

مثلنا و ما نراك اتبعك الا الذين هم ارادلنا بادی الرأى و مانرى لكم علينا من فضل < (هود، آیه ۲۶) > قالوا يا نوح قد جادلتنا فأكثرت جدالنا < (هود، آیه ۳۲) > قالوا أنؤمن لك و اتبعك الارذلون < (شعرا، آیه ۱۱۱) > و انى كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصابعهم فى آذانهم و استغشوا ثيابهم و أصروا و استكبروا استكباراً < (نوح، آیه ۷) > كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه < (هود، آیه ۳۸) > قالوا يا صالح قد كنت فينا مرجوا قبل هذا < (هود، آیه ۶۲) > قالوا يا شعيب أصلاتك تأمرك أن نترك ما يعبد آباؤنا أو أن نفعل فى أموالنا ما نشاء < (هود، آیه ۸۷) > قالوا يا شعيب ما نفقه كثيراً مما تقول < (هود، آیه ۹۱) > قالوا سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الواعظين < (شعرا، آیه ۱۳۶)

۱۱- . < و ان تصبهم سيئه يطيروا بموسى و من معه > (اعراف، آیه ۱۳۱) < انا تطيرنا بكم > (يس، آیه ۱۸)

۴. تکذیب. (۱)

۵. تهدید به تبعید و اخراج. (۲)

۶. تهدید به شکنجه. (۳)

۷. تهدید به سنگسار. (۴)

۸. مخالفت صریح و لج بازی. (۵)

۹. آزار، ریختن زباله و خاکستر، سنگ باران و...

روحانیت که میراث دار رسالت انبیاء است باید از ابتدا آماده همه این مشکلات باشد.

درگیری میان پیامبران خدا و مخالفان آنان به درازای تاریخ خلقت انسان سابقه دارد، از ابتدای پیدایش بشر در دالان بلند و ممتد تاریخ، دو جبهه حق و باطل در تقابل مستمر بوده اند و همیشه حامیان ارزش ها، پاکی ها و فضیلت ها در معرض مخالفت و بدخواهی بوده اند.

تقابل هابیل علیه السلام و قابیل، موسی علیه السلام و فرعون، یا ابراهیم علیه السلام و نمرود، یک روز در صحنه نبرد بدر و احد میان محمد صلی الله علیه و اله و ابوسفیان و روزی در صحرای کربلا میان امام حسین علیه السلام و یزید رخ داد و در پهنه زمان و مکان نیز همیشه و همه جا تکرار می شود. «کل یوم

ص: ۵۳

---

۱- <کل ما جاء امه رسولها کذبوه> مؤمنون، آیه ۴۴.

۲- <أخرجوهم من قریتکم> (اعراف، آیه ۸۲) <لنخرجنک یا شعیب و الذین آمنوا معک من قریتنا أو لتعودن فی ملتنا> (اعراف، آیه ۸۸)

۳- <لیمسنکم منا عذاب ألیم> یس، آیه ۱۸

۴- <انا لنراک فینا ضعیفاً و لولا رهطک لرجمناک> (هود، آیه ۹۱) <لئن لم تنته یا نوح لتکونن من المرجمین> (شعرا، آیه ۱۱۶)

۵- <قالوا یا هود ما جئنا ببینه و ما نحن بتارکی آلهتنا عن قولک و ما نحن لک بمؤمنین> (هود، آیه ۵۳) <أنا بالذی آمنتم به کافرون> (اعراف، آیه ۷۶)

عاشورا و کل ارض کربلا». انسان باید در میان این دو رشته، جایگاه خود را به صراحت معین کند.

«نبوت قلمرو فکری تازه ای به وجود می آورد، اندیشه و راهی تازه و هدفی تازه را مطرح می کند، آن کسی مؤمن است که آن اندیشه را بپذیرد، آن هدف را بجوید و آن راه را بپیماید. برای مخالف بودن مخالفت کردن لازم نیست، موافقت و همراهی نکردن کافی است. در جبهه بندی میان نبی و معارضانش هر که در میانه باشد هم با نبی و از او نیست و هر که «با او» نباشد «بر او» است. این حقیقت ضمن ده ها آیه قرآن به صورتی رسا و تردیدناپذیر اعلام شده است».<sup>(۱)</sup>

لعن و سلام در زیارت عاشورا و نفی و اثبات در کلمه طیبه «لا اله الا الله» آموزش اعلام بیزاری و نفرت از جبهه باطل و اعلام وفاداری و حمایت از جبهه حق است. ذکر تاریخ پیامبران گذشته در قرآن همین حقیقت را اعلام و گوشزد می نماید که هر که پیرو آیین پاکان و صالحان است و خود را مانند حسین وارث آدم و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام می داند، باید در راه حمایت از حقیقت ها و ارزش ها آماده تحمل انواع بلاها و پرداخت همه دارایی ها و سرمایه های خویش باشد و البته این پایداری و شکیبایی سرانجام به پیروزی نهایی جبهه متقین خواهد انجامید.

>تِلْكَ الدَّارَ الْآخِرَةَ نَجْعُلُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا

ص: ۵۴

---

۱- طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، فصل ۲۱.

فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ > (۱)

> فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ > (۲)

> وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَ إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ > (۳)

> إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ > (۴)

> فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَ عِدَّةَ رُسُلِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ > (۵)

«بر خلاف نظرهای تنگ مایه و سطحی، حرکت انبیاء حرکتی ناموفق نبوده و باطل که راه مخالف انبیاء است بر تاریخ بشری و سیر آن حکومت نداشته است و این انبیای الهی بوده اند که از آغاز تا کنون توفیق یافته اند بشر را مجموعاً در همان مسیری که خود می خواسته اند هدایت کنند و از این پس نیز تا پایان جهان بر همین قرار خواهد بود.

هر یک از این پیام آوران حق در قطعه ای از این نوار ممتد تاریخ، بشر را به پیش رانده و سیر او را به سوی هدف خلقت انسان که تعالی و تکامل جامعه بشری است، تسهیل و تسریع کرده اند و هنگامی که پس از روزگاری تلاش و مبارزه بی امان از این جهان به هر وضع و بر اثر هر علتی رخت بسته اند در آخرین نقطه مأموریت و رسالت خود، بار امانت خدایی را به رسول و مأمور پس از خود

ص: ۵۵

۱- . قصص، آیه ۸۳.

۲- . هود، آیه ۴۹.

۳- . صافات، آیات ۷۱ تا ۷۳.

۴- . غافر، آیه ۵۱.

۵- . ابراهیم، آیه ۴۷.



سپرده، خود چشم بر هم نهاده اند... و چنین شده است که در این دوران تاریخ، بشر از همیشه عمر خود، بر اثر هشیاری و آگاهی - که همان نیز آثار دعوت پیامبران است - به راه آنان خوشبین تر و به هدف آنان نزدیک تر است... بر همین منوال، این سیر طبیعی ادامه خواهد یافت تا روزی که به دست آخرین حجت الهی، آخرین گام در راه تربیت و ارشاد بشر برداشته شده و بشریت بی هیچ مانع و رادعی در بزرگراه تعالی و تکامل بی پایان خویش گام گذارد و با سرعتی بیش از همیشه به حرکت مبارک خویش ادامه دهد... و این فرجام واقعی نبوت و راه پیامبران است.

نکته بسیار مهم این است که موفقیت مرحله ای در گرو دو عامل بسیار تعیین کننده است؛ ایمان و صبر. شکست های اثنای راه بر اثر فقدان این دو عامل و پیروزی های درخشان بر اثر به کار گرفتن آن بوده است.»<sup>(۱)</sup>

روحانیت شیعه اگر در طول تاریخ با دشمنی ها و بدخواهی ها مواجه بوده، آن را پدیده ای تازه نمی دانسته و هیچ گاه دل سرد و محزون نگردیده است. انواع تهمت ها، دشنام ها، جسارت ها و مخالفت ها در راه تحقق آن هدف بزرگ کم ترین درسی است که کاروان روحانیت، از قافله سالاران خود انبیاء و اولیا آموخته است. آنچه بر پیامبران گذشته آمده، امروز نیز کم و بیش در اجتماع ما دیده می شود و هر که در مسیر آنان است، در معرض آن همه قرار دارد.

و البته نمی توان انکار کرد که در کناره این دو رشته تاریخی «حق» و «باطل» همواره رشته نامرئی دیگری وجود داشته که ادعای پاکی و

ص: ۵۶

حقیقتش گوش فلک را کر کرده، اما باطن ناپاک او دائماً به تقویت جبهه پستی و تضعیف جبهه راستی پرداخته است.

تاریخ، بلعم باعورا، کعب الأحبار، کسروی، مهدی هاشمی و وعاظ السلاطین رنگارنگ، زیاد دیده است. حکم قتل امام حسین علیه السلام هم از نیش قلم شریح قاضی - در منصب روحانی - صادر شده است. قرآن کریم به صراحت خطر عالمان هواپرست را گوشزد می کند و جامعه مؤمن را از شر آن ها بر حذر می دارد؛

> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصَدِّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ <(۱)

و آنها را به شدت محکوم می کند؛

> مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا، بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ <(۲)

مردم ما باید آگاه باشند که «عالم ناپارسا» پدیده جدیدی نیست و به درازای زمان سابقه دارد و این یک واقعیت تجربه شده تاریخی است که در کنار سایر واقعیتها باید به جامعه انتقال یابد. اما به هر حال وجود همین طائفه ناپاک و بدسرشت موجب شده که دستاویز موجهی برای تضعیف و تخفیف سلسله عالمان دین و وارثان انبیاء پدید آید و فشارها و دشواری ها افزون شود.

تحمل این مشکلات و شکیبایی در مقابل این ناملایمات، کمترین وظیفه ای است که در شرایطی چنین - که البته به درازای

ص: ۵۷

۱- . توبه، آیه ۳۴.

۲- . جمعه، آیه ۵.

تاریخ انسان سابقه دارد- بر دوش عالمان راستین و پیروان جبهه حق و فضیلت است و این امر محکم الهی به پیامبر خدا و همه پیروان او است؛

<فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ> (۱)

## کارآمدی و توانمندی

کودک انسان در مراحل نخست زندگی، برای ماندن و بهزیستن به خدمات دیگران سخت وابسته است؛ در خوردن، خوابیدن و آسودن نیز نیازمند «کار» دیگران است و از خود هیچ هنری ندارد... اندکی بعد همین کودک، بخشی از کارهای خود را با «همکاری» دیگران انجام می دهد. هر چه از مراحل رشد او می گذرد، در تأمین نیازهای خود مستقل تر می شود و نیاز او به «کار» یا «همکاری» دیگران کاهش می یابد، گرچه هیچ گاه به صورت کامل از جامعه بی نیاز نمی شود.

در سنین جوانی، شایسته است، آدمی تأمین بخشی از نیازهای دیگران را به عهده گیرد و همان گونه که خود تاکنون از حاصل کار و دست رنج دیگران بهره گرفته بود، از این پس به دیگران بهره برساند؛ اینک وظیفه دارد در قبال خدمات فراوانی که از دیگران دریافت کرده -به رسم قدرشناسی- از خود واکنشی نشان دهد و خدمتی برساند. (۲)

این مرحله آغاز ورود انسان به جریان اجتماع و قرار گرفتن در یک

ص: ۵۸

---

۱- . هود، آیه ۱۱۲.

۲- . <هل جزاء الاحسان الا الاحسان> رحمن، آیه ۶۰.

صنف اجتماعی است. قرار گرفتن در یک صنف به معنای انتخاب یک مسئولیت و اعلام آمادگی برای انجام خدمات مشخص است. معلم، راننده، کاسب، کشاورز، آهنگر، کارمند و کارگر هر یک با انتخاب شغل خویش، در یک گروه اجتماعی قرار گرفته، خدمات ویژه ای را ارائه می دهند، البته در مقابل نیز خدمات دیگری دریافت می دارند...

این حکایت «چهره اجتماعی» حیات ما انسان ها است. زندگی ما آدمیان چهره دیگری نیز دارد؛ «چهره حیات فردی».

انسان، به اقتضای انسانیت خود - به عنوان یک فرد و فارغ از عضویت در اجتماع بشری - موظف است برای دستیابی به هدفی بلند، مسیری را طی کند؛ مرد و زن، پیر و جوان، شهری و روستایی، کاسب و کارمند و کارگر و معلم در اصل این وظیفه تفاوتی ندارند؛ زیرا همه در انسانیت مشترک اند. کسب معرفت، تهذیب نفس، تقوا و تعالی معنوی، ارزش های وجودی انسان در زندگی فردی او است. انسان حتی اگر دور از آبادی به سر برد و در جزیره تنهایی، زیست کند، به حکم انسانیت خویش، موظف به خودسازی و تحصیل عبودیت، قرب، و کمالات اخلاقی است.

همچنین موظف به «حضور اجتماعی» است. آدمی به مقتضای سرشت اجتماعی خویش، به عنوان یک فرد، وظیفه دارد در اجتماع زندگی کند. کمال مطلوب انسان نیز در گرو همین زندگی اجتماعی رقم خورده و با حضور در میدان اجتماع قابل دست یابی است.

همین انسان، آنگاه که با جامعه مرتبط می شود و به عنوان عضوی از پیکره اجتماع در می آید، تعریف تازه ای می یابد و وظایف

جدیدی بر دوش می گیرد. اینک انسان نه به حکم انسانیت، بلکه به مقتضای حضور اجتماعی اش، وظایفی دارد. مثلاً موظف است که حقوق دیگران را رعایت کند، به نیازهای هم نوعان خویش توجه داشته باشد و در صدد ارائه خدماتی به آنها باشد.

### ارزش انسان در حیات اجتماعی

در بعد حیات اجتماعی، ارزش انسان بر اساس خدماتی که ارائه می دهد، تعیین می شود هر چه این خدمات ارزنده تر و گسترده تر باشد، تأثیر وجود شخص در جامعه بالاتر و در بعد اجتماعی موفق تر است.

بر این اساس، لازم است:

۱. هر فرد در فرایند انتخاب خود، دقت کافی کند تا مؤثرترین خدمات اجتماعی را شناسایی کند و متناسب با توان و استعداد خود در صنفی قرار گیرد که بهره بیشتری برساند.

۲. پس از انتخاب نیز توان خود را برای ارتقای سطح خدماتی که ارائه خواهد داد، بالاتر برد.

از نگاه دین، هر چه توانمندی، کارآیی، لیاقت و قدرت انسان بیشتر و به قول معروف «با عرض تر» باشد، و بتواند خدمت بیشتری ارائه کند شایسته تر است. بدین ترتیب، دو مطلوبیت و دو ارزش برای انسان مطرح است: ارزش «ایمان، اخلاق و تقوا» و ارزش «کارآمدی و کفایت».

<إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرَ الثَّوَابَ الْآمِنَ >. (۱)

ص: ۶۰

ایمان و تقوا ارزش بُعد فردی وجود انسان است و کارآمدی و کفایت، ارزش بُعد اجتماعی او و بدین ترتیب الگوی انسان تراز دین «مؤمن خدوم» خواهد بود زیرا مؤمن خدوم با صفت ایمان، «خود» را به افق کمال نزدیک می گرداند و با صفت خدمت «جامعه» را به سوی کمال حرکت می دهد. (۱)

در میان کارگزاران دولت علوی سه شخصیت متفاوت دیده می شود:

اول شخصیتی چون مالک اشتر نخعی است که از سویی توان مدیریت بسیار بالا و قدرت جسمی و فکری و روحی عظیمی دارد و از سوی دیگر، در مراتب بالای ایمان و ولایت و معنویت قرار گرفته است؛ بدین جهت، هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی مورد رضایت کامل امام زمان خویش است. امام علی علیه السلام از داشتن چنین نیرویی به شدت خوشحال و مبهتج است و در واگذاری امور حکومت به او دل آرام و آسوده خاطر؛

«فَأَنَّهُ مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهِنَّهٗ وَلَا سَقَطَتْهٗ وَلَا بَطُوهُ عَمَّا الْأَسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ وَلَا إِسْرَاعُهُ إِلَى مَا الْبُطَاءُ عَنْهُ أَمْثَلُ»؛ (۲)

مالک را نه سستی است و نه لغزش، و نه کندی آنجا که شتاب باید و نه شتاب بگیرد آنجا که کندی شاید».

ص: ۶۱

۱- . توصیه به قضاء حوائج مؤمنین در معنای گسترده خود، توجه به همین خدمت اجتماعی است. رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۶) کسی که به امور جامعه اسلامی اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: «أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» (غرر الحکم، حدیث ۱۰۳۰۰) برترین مردم کسی است که فایده بیشتری برای دیگران داشته باشد. و این اشاره به برتری انسان در حیات اجتماعی است.

۲- . نهج البلاغه، نامه ۱۳.

«عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا- يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا- يَنُكَلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ. أَشَدُّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ وَهُوَ مَالِكُ بِنِ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ... فَإِنَّهُ سَيِّفٌ مِنْ سَيِّوْفِ اللَّهِ لَا كَلِيلَ الطُّبِّهِ وَلَا نَابِي الضَّرْبِيهِ... فَإِنَّهُ لَا يَقْدَمُ وَلَا يَحْجَمُ وَلَا يُؤَخَّرُ وَلَا يَقْدَمُ إِلَّا عَنِ أَمْرِي وَقَدْ أَثَرْتُكُمْ بِهِ عَلَى نَفْسِي لِنَصِيحَتِهِ لَكُمْ وَشِدَّةِ شَكِيمَتِهِ عَلَيَّ عَدُوِّكُمْ؛(۱)»

بنده ای است از بندگان خدا که در روزهای بیم ن خوابد و در ساعت های ترس از دشمن روی برتابد، بر بدکاران از آتش سوزان تندتر است. او مالک پسر حارث مذحجی است... او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کند شود و نه ضربت آن بی اثر بگردد... نه بر کاری دلیری کند و نه باز ایستد و نه پس آید و نه پیش رود؛ جز که من او را امر نمایم. در فرستادن او من شما را بر خود برگزیدم؛ چه او را خیرخواه شما دیدم و سرسختی او را برابر دشمنانتان پسندیدم.

«مَالِكُ مَا مَالِكُ! لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فَنَدًا وَلَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا، لَا يَرْتَقِيهِ الْحَافِرُ وَلَا يُوْفِي عَلَيْهِ الطَّائِرُ؛(۲)»

مالک! مالک چه بود؟ به خدا اگر کوه بود کوهی بود از دیگر کوه ها جدا افتاده و اگر سنگ بود سنگی بود خارا که سم هیچ ستور به ستیغ آن نرسد و هیچ پرنده بر فراز آن نبرد.

هنگامی که خبر رحلت مالک به حضرتش رسید اندوهناک و متأثر گشت و آه می کشید و می فرمود:

ص: ۶۲

۱- . نهج البلاغه، نامه ۳۸.

۲- . همان، حکمت ۴۴۳.

«عَلَىٰ مِثْلِ مَالِكَ فَلَتَبِكَ الْبُؤَاكِي وَ هَلْ مَرْجُو كَمَالِكَ؟ وَ هَلْ مَوْجُودُ كَمَالِكَ؟ (۱) وَ هَيْلُ قَامَتِ النِّسَاءُ عَنِ مِثْلِ مَالِكَ؟... لَا أَرَىٰ مِثْلَهُ بَعْدَهُ أَبَدًا؛ (۲)»

گریه کنندگان بر مانند مالک باید گریه کنند و آیا امیدبخشی مانند مالک هست؟ آیا کسی مانند او وجود یافته است؟ آیا زنان مانند او خواهند آورد؟... پس از او مانند او را نخواهم دید».

شخصیت دوم در میان کارگزاران امام شخصیتی عارف و خودساخته چون کمیل بن زیاد است که یار تنهایی امیرمؤمنان است و تاب تحمل معارف سنگین علوی را دارد. علی علیه السلام او را به صحرا می برد و با او راز می گوید:

«هَا إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَهُ؛ (۳)»

بدان که در سینه من دانشی است انباشته، کاش حاملانی برای آن می یافتم».

کمیل در جانب ایمان و فضایل انسانی اندوخته ای بس عظیم دارد و همراز و انیس حجت حق قرار گرفته است. همین کمیل آنگاه که از جانب امام به کارگزاری شهرکی - به نام هیت - گمارده می شود، در دفع سپاهیان دشمن که از حوزه مأموریت او گذشتند و به تاراج مسلمانان پرداختند، ناکام می ماند.

امام بر او چنین خرده می گیرند و این گونه گلایه می کنند:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ تَضْيِيعَ الْمَرْءِ مَا وُلِّيَ وَ تَكَلُّفَهُ مَا كَفِيَ لَعَجْزٌ حَاضِرٌ وَ

ص: ۶۳

---

۱- . بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۵۶.

۲- . همان، ص ۵۹۱.

۳- . نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.



رَأَى مُتَّبِرًا... فَقَدْ صِرَتْ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْغَارَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ، غَيْرَ شَدِيدِ الْمُنْكَبِ وَلَا مُهَيَّبِ الْجَانِبِ، وَلَا سَادِّ ثَغْرَةٍ وَلَا كَاسِرٍ لِعَدُوِّ شَوْكَةٍ وَلَا مُغْنٍ عَنِ أَهْلِ مِصْرِهِ وَلَا مُجْزٍ عَنِ أَمِيرِهِ؛(۱)

اما بعد، واگذاردن آدمی آنچه را که بر عهده دارد و عهده دار شدن او کاری را که بر دوش دیگری است، ناتوانی ای است آشکار و اندیشه ای است تباه... تو پلی شده ای تا از دشمنانت هر که خواهد از آن بگذرد و بر دوستانت غارت برد. نه قدرتی داری که با تو بستیزند، نه از تو ترسند و از پیش ات گریزند، نه مرزی را توانی بست، نه شوکت دشمن را توانی شکست، نه نیاز مردم شهر را برآوردن توانی و نه توانی امیر خود را راضی گردانی».

در میان کارگزاران دولت علوی شخصی چون زیاد بن سمیه نیز حضور دارد. زیاد چون پدری شناخته شده نداشت و حرام زادهٔ مسلم بود، زیاد بن ابیه (فرزند پدرش) یا ابن سمیه (فرزند سمیه، کنیز حارث بن کلدهٔ ثقفی پزشک عرب) خوانده می شد؛ تا آنکه معاویه در حکومت خود او را برادر خویش و زیاد بن ابی سفیان خواند.(۲)

ص: ۶۴

۱- نهج البلاغه، نامه ۶۱.

۲- در تاریخ آمده است که عمر در زمان حکمرانی خود، زیاد را برای اصلاح کار یمن فرستاد، چون بازگشت در مجلس وی خطابه ای بسیار زیبا ایراد کرد. امام علی، ابوسفیان و عمروعاص در آن مجلس بودند. عمروعاص گفت: آفرین بر این جوان، اگر از قریش بود، عرب را اداره می کرد. ابوسفیان گفت: قریشی است و من می دانم از کیست. علی پرسید: از که؟ گفت از من، من در جاهلیت با مادرش زنا کرده ام و او را در رحم مادرش نهاده ام. معاویه در خلافت خود به پافشاری مغیره بن شعبه زیاد را فریب داد و نزد خود طلبید، مجلسی ترتیب داد و به گواهی کسانی، او را برادر خود دانست. معاویه او را انسانی صاحب نظر، پر همت و خوش فکر می دانست در نامه های ۴۴، ۲۱، ۲۰ و نیز حکمت ۴۷۶ نهج البلاغه از او سخن رفته است. احوال او در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ذیل نامه ۴۴ آمده است.

زیاد جانشین ابن عباس در ولایت بصره و سرزمین های فارس بود و دایره حکم رانی وی استان پهناوری را در بر می گرفت که شامل بصره کنونی، اهواز، کرمان، فارس و... می شد.

او گرچه در اداره امور مملکت بسیار کارآمد و توانا بود، اما به جهت خیانت های فراوان هرگز مورد اعتماد امام قرار نگرفت و بارها از سوی حضرت به خاطر فسادهایی که از او سر زد، توبیخ و ملامت شد.

«وَإِنِّي أُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسِيماً صَادِقاً لِّئِن بَلَغَنِي أَنْكَ حُنْتٍ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئاً صَغِيراً أَوْ كَبِيراً، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، تَقِيلَ الظَّهْرَ، ضَمِيلَ الْأَمْرِ؛(۱)»

به خدا سوگند می خورم، سوگندی راستین که اگر مرا خبر رسد که در اموال مسلمانان کم یا زیاد خیانت کرده ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال مانی و درمانده به هزینه عیال، و خوار و پریشان احوال».

«اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعَسْفَ وَ الْحَيْفَ، فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفُ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ؛(۲)»

به عدالت عمل کن و از ظلم و ستم پرهیز که ستم مردم را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آورد».

بررسی این شخصیت ها نشان می دهد برخی کسان ایمان، تقوا، اخلاص، اخلاق و معنویت در ابعاد فردی را دارند، اما توان انجام امور اجتماعی و صلاحیت واگذاری مسئولیت های سنگین در آنها وجود

ص: ۶۵

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۰.

۲- همان، حکمت ۴۷۶.

ندارد. در مقابل، گروهی قدرت لازم برای انجام خدمات اجتماعی را دارند، اما تعهد و تقوای لازم را ندارند.

هیچ یک از این دو گروه بازوی قابل اعتمادی برای امام امت (کسی که مسئول هدایت اجتماع و اصلاح امور آن است)

نیست. امروزه همه کسانی که اندکی با مفاهیم اولیه مدیریت آشنا هستند، به خوبی می دانند که مهم ترین عنصر پیش برنده یک سازمان، «منابع انسانی آن» است؛ یعنی نیروهایی که واجد این دو ویژگی هستند؛ تخصص و تعهد، قدرت و امانت، تقوا و کفایت، عرضه و سلامت، نداشتن هر یک از این دو بال، برای پرواز به سوی هدف یک کاستی آشکار است و اعتماد و حرکت را غیر ممکن می سازد.

کسانی که اخلاق و اخلاص و سلامت نفس را در حد مطلوب دارا هستند، ولی عرضه سکان داری یک حرکت اجتماعی را ندارند و نمی توانند از خود اثر و خدمت مناسبی ارائه کنند، نیروهای شایسته ای برای پیشبرد اهداف اسلام نیستند. از سوی دیگر، کسانی که واجد همت های بزرگ هستند و با سخت کوشی و تلاش، دانش و مهارت و کارآیی خود را بالا برده، لیاقت پذیرفتن مسئولیت های سنگین اجتماعی را کسب کرده اند، ولی در اسارت هواها و هوس های پست حیوانی به سر می برند و از ایمان و اخلاق و انسانیت کم بهره اند نیز هرگز رضایت امام عصر عجل الله فرجه الشریف را تأمین نمی کنند؛ گرچه در مواردی می توان لیاقت آنان را به خدمت اهداف دین گرفت و البته با نظارت شدید بر آنان، از مفاسدشان در امان بود.

به یقین مقایسه این دو گروه و کنار هم نهادن آنان اشتباهی بزرگ است و این هم عرضی، نباید موجب توهم نوعی هم ارزی میان

آنها شود. منظور از این بیان، برابر دانستن ارزش «انسانیت» و ارزش «کارآمدی» با یکدیگر نیست و مقایسه میان کمیل بن زیاد نخعی با زیاد بن ابیه هرگز عاقلانه شمرده نمی شود.

انسانیت انسان ارزش اساسی وجود اوست و در امتداد حیات انسان تا ابد به کار می آید، در حالی که کارآیی و توانمندی، ارزشی درجه دو است و به زندگی اجتماعی انسان، آن هم تا مرز انتقال به عالم ابدی مربوط است و پس از آن به کار نمی آید. ایمان و انسانیت، بدون توانمندی و کارآیی هم ارزشمند است و سعادت او را تأمین می کند، در حالی که کارآیی و توانمندی، بدون ایمان و انسانیت ارزش انسانی ندارد و بر لوح سعادت او نقشی نمی زند. بهره ایمان و بندگی از ابتدا به خود شخص باز می گردد، در حالی که بهره کارآیی و توانمندی ناظر به نیاز دیگران است.

بر این اساس در دوران امر میان این دو ویژگی، جایی که تنها انتخاب یکی از این دو گزینه امکان پذیر باشد، بدون تردید انسان باید ارزش های والای فردی را برگزیند و از هیچ ملامتی واهمه نکند.

> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید به خودتان پردازید، هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیان نمی رساند.

امام علی علیه السلام نیز فرمودند:

«وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يَصْلِحُكُمْ وَ يَقِيمُ أَوْدَكُمْ، وَ لَكِنِّي لِأَرَى إِصْلَاحَكُمْ

ص: ۶۷

من نیک می دانم که چگونه می توان شما را اصلاح کرد و از کجی به راستی آورد. اما هرگز اصلاح شما را با تباه کردن خود (روا) نمی بینم».

اما تأکید این نوشتار بر آن است که در شرایط عادی که امکان تحصیل هر دو ارزش وجود دارد، نباید سستی، کوتاهی و کاهلی کرد و به بهانه اخلاق و تقوا و معنویت از تحصیل کارآیی، توانمندی و کفایت دست کشید.

توجه به مسئولیت اجتماعی و پرداختن بدان، آنقدر اهمیت دارد که عبادات فردی نیز جایگزین آن نمی شود و نمی توان به بهانه اشتغال به عبادت پروردگار از آن سر باز زد.

امام کاظم علیه السلام آن هنگام که در سیاه چال مخوف هارون قرار گرفتند و از هر گونه ارتباط اجتماعی محروم و ممنوع گشتند چنین مناجات فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْكَ تَعَلَّمُ اِنِّي كُنْتُ اَسْأَلُكَ اَنْ تَفْرَغَنِي لِعِبَادَتِكَ، اللَّهُمَّ وَ قَدْ فَعَلْتَ فَالْحَمْدُ؛ (۲)

پروردگارا از تو درخواست کرده بودم که مرا برای عبادت خود فارغ گردانی، تو را شکر می گویم که چنین نعمتی نصیبم کردی».

از این بیان معلوم می گردد که انسان در میانه اجتماع حق ندارد زمان و توان خود را تنها صرف امور عبادی کند. و تا آن هنگام که

ص: ۶۸

---

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۶۹.

۲- . الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۰.

اختیار عمل اجتماعی و تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود را دارد وظیفه ای مهم بر دوش دارد که او را از عبادت فردی فارغ البال و خلوت محض با پروردگار مانع می شود. (۱)

انسان مؤمن همان گونه که در پی تحقق «انسان ایدآل اسلامی» در وجود خود است، به هدف تحقق «جامعه ایدآل اسلامی» نیز در پیرامون خود تلاش می کند و برای این منظور لازم است مهارت ها و توانایی های لازم را به دست آورد. به دست آوردن توان افزون تر برای انجام کارهای بزرگ و نیز آمادگی برای ایجاد تحولی عظیم یا ارائه خدمتی سترگ، هرگز به معنی خودنمایی مذموم و رفتار متظاهرانه نیست، بلکه خود مورد توصیه آموزه های دینی است.

شیعه علی می کوشد در فرایند انتظار فرج که افضل اعمال است، خود را برای کارگزاری دولت مهدوی آماده سازد تا در روزگار حضور و ظهور معصوم، سکان داری شایسته و بازویی

توانا برای اجرای عدالت و بسط توحید باشد. چنین کسی متناسب با ابعاد تأثیر اجتماعی و حجم خدمتی که ارائه می دهد، مورد توجه ویژه و رضایت خاص امام عصر عجل الله فرجه الشریف است.

حضرت فاطمه زهرا! عها؟ فرموده اند:

ص: ۶۹

---

۱- . نباید میان رشد فردی و تکالیف اجتماعی تزاومی تصور شود. زیرا رشد فردی انسان به بندگی است و بندگی خدا در گرو انجام وظیفه تحقق می یابد. اگر انسان دو وظیفه فردی و اجتماعی را به موازات یکدیگر داشته باشد رشد او در انجام وظیفه در هر دو حوزه است و نباید یکی از آنها مانع انجام دیگری شود. >إِنَّا سَيُنْقَلِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا، إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئِكَ وَ أَقْوَمُ قِيَلًا، إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا < (مزمّل، آیات ۵ تا ۷) اگر برنامه زندگی انسان به گونه ای تنظیم شود که جلوی کارآمدی و کمال اجتماعی گرفته شود یا با انجام وظیفه در اجتماع سازگار نباشد مطلوب نظر دین نیست.

«سَمِعْتُ عَنْ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يَحْشَرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدْرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِّهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ؛<sup>(۱)</sup>»

از پدرم پیامبر خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که فرمود: عالمان شیعه ما (فردای قیامت) محشور می شوند در حالی که به قدر فراوانی دانش و به میزان تلاششان در ارشاد بندگان خدا، از خلعت های کرامت بر آنها پوشانده شده است».

برای توضیح بیشتر مثالی در ابعاد ملموس تر، از حکومت غیر معصوم ذکر می کنیم. امام خمینی در آستانه انقلاب اسلامی از آحاد ملت ایران خشنود بود و به داشتن چنین توده ای بر جهانیان مباهات می کرد. اما رضایت امام از کسی مانند بهشتی و مطهری با رضایت او از توده عوام قابل مقایسه نیست. شهادت بهشتی و مطهری، برای او همسنگ فقدان یک امت، غمبار و جان فرسا بود؛ چه بسا حادثه ای طبیعی که پیامد مرگ هزاران شهروند معمولی را به همراه داشته، ولی به اندازه شهادت یک بهشتی به بدنه انقلاب آسیب و به دل امام امت درد وارد نکرده باشد.

توصیه به تجهیز امت اسلامی و کسب آمادگی بیشتر در مقابل کفار در آیه شریفه <وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ><sup>(۲)</sup> علاوه بر کسب قدرت نظامی و تهیه انواع ساز و برگ و جنگ افزار، شامل همه مؤلفه های قدرت، از قدرت علمی، مدیریتی و توان فرهنگی تا انواع مهارت ها، مانند قدرت بیان و سخنوری، نویسندگی و تأثیر گذاری، پیش بینی حوادث و تصمیم گیری و... می شود و این همه جز با

ص: ۷۰

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.

۲- انفال، آیه ۶۰.

تلاش و سخت کوشی و بذل آسایش و راحت، حاصل نخواهد شد.

کلید واژه «مجاهدت» که غالباً با پسوند فی سبیل الله و قید اموال و انفس در آیات مبارکه قرآن بارها به کار رفته است، بر این سخت کوشی و بذل آسایش تصریح دارد.

این نکته نیز گفتنی است که در نظام ارزشی اسلام، ارزش والای «شهادت» که به معنای معامله جان با رضای جانان و دست کشیدن از همه سرمایه ها و دارایی ها، به امید لقای محبوب و کسب خرسندی اوست، هم در پرتو خدمت اجتماعی قرار دارد. شهادت هرگز به معنی نفله شدن و جان باختن نیست؛ خون شهید عهده دار انجام کار بزرگی در جامعه اسلامی است و بهره های فراوانی می رساند. خون شهید پاسدار ارزش های الهی و حامی بقای دین خداست. راه بسته ای را که جز با خون باز نمی شود، می گشاید و در نهایت بر شمشیر غلبه می کند.

از این رو هرگاه بهره ای یا ثمری -شایسته ارزش آن- بر دادن خون مترتب نباشد و از این کشته شدن، جز هدر رفتن کاری نیاید (مانند شرایطی که امام حسن مجتبی علیه السلام در آن قرار داشت) شهادت طلبی مطلوب نیست. از سوی دیگر، هرگاه که شهادت طلبی مطلوب است، مجاهد در راه خدا باید پیش از بذل جان، به گونه ای طراحی و تدبیر کند که ثمرات و برکات افزون تری از این فداکاری به چنگ آید؛ مانند صحنه ای که سیدالشهداء علیه السلام با بردن خانواده و کودکان و تقدیم شش ماهه تشنه لب، برای تاریخ به یادگار نهاد.

\*\*\*

طلبه با ورود به طلبگی، از میان خدمات مختلف اجتماعی، «خدمات فرهنگی (آموزشی-پرورشی) مربوط به حوزه دین» را



برگزیده است؛ ثبت نام در حوزه علمیه به معنی اعلام آمادگی برای حضور در صف مقدم حرکت های تعلیمی و تربیتی در گستره آموزه های اسلامی است. طلبه به عنوان یک عنصر فرهنگی، از فهرست طولانی نیازهای انسان، مهم ترین نیاز، یعنی نیاز به وحی و معنویت را برگزیده است تا با همت، مجاهدت و پایداری، این نیاز توده انسان ها را تأمین کند. طلبه در امتداد حرکت پیامبران، آن آموزگاران کتاب و حکمت و مریبان سلوک توحیدی و معنویت قرار دارد و با قدم نهادن در مدرسه علمیه، رسالتی آن چنان خطیر و مسئولیتی این چنین سترگ را بر دوش گرفته است:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»؛<sup>(۱)</sup>

دانشمندان دین وارثان حرکت پیامبران هستند».

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله عالمان دین را جانشینان خود خوانده و برای آنان دعا کرده است:

«رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي... الَّذِينَ يَحْيُونَ سُنَّتِي وَ يَعْلَمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ»؛<sup>(۲)</sup>

خداوند جانشینان مرا رحمت کند؛ آنان که سنت مرا زنده نگاه می دارند و آن را به بندگان خدا می آموزند».

بدین ترتیب، طلبه هرگز نمی تواند فارغ از خلأها و آسیب های اجتماعی و بدون توجه به انحرافات فکری و احتیاجات فرهنگی، روزگار بگذراند. طلبه براساس هویت تعریف شده صنفی خود، باید در قبال خدمات فراوانی که از دستان پر مهر اجتماع دریافت می دارد، صادقانه و پر تلاش به آنان خدمت کند؛ آیات خدا را تلاوت

ص: ۷۲

---

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲- . منیه المرید، ص ۱۰.

کند. دین، کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و در تهذیب و تزکیه نفوس بکوشد؛

<یتلوا عَلَیْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِيهِمْ> (۱)

و هر چه توان طلبه در ارائه چنین خدماتی بیشتر باشد، ارزش اجتماعی او بیشتر است. پیش از این گفتیم که هر انسان، در قبال مسئولیتی که در اجتماع بر دوش دارد، باید

دو گام بزرگ بردارد: نخست انتخاب یک خدمت مؤثر اجتماعی، متناسب با توان خود که بهره فراوانی به جامعه بشری ارزانی دارد. دوم ارتقای سطح کیفیت این خدمات، تا اندازه ممکن.

طلبه در انتخاب مسیر اصلی و ترجیح حوائج معنوی و فرهنگی بر حوائج مادی، بسیار خوش سلیقه عمل کرده و شاهره حرکت خود را به درستی برگزیده؛ از این رو در گام نخست، موفق بوده است؛ اکنون وظیفه دارد تا در گام دوم، کارآمدی خود را افزایش و حوزه تأثیر خود را در موضوعی که برگزیده گسترش بخشد.

شخصیت های بزرگ -حوزوی یا غیر حوزوی- که در سلوک روحانی و خودسازی معنوی موفق بوده اند، ولی گوشه عزلت گزیده و به جهت ناتوانی، از انجام خدمات فرهنگی و اجتماعی طفره رفته اند، گنجینه های پنهان و ذخایر خاموشی هستند که تنها نیمی از راه را پیموده اند؛ آنان محیط اطراف خود را روشن نمی کنند، گرهی از کار مردم نمی گشایند و باری از دوش جامعه بر نمی دارند. اینها گرچه ارزش های فردی فراوانی اندوخته، اما نخست اینکه در تأمین

ص: ۷۳

رضای خدا و امام عصر عجل الله فرجه الشریف موفق نبوده اند و سپس الگوی کاملی برای طراحی سیمای آینده طلبه نیستند. الگوی کامل طلبه باید هر سه ویژگی «عالم»، «ربانی»، و «کارآمد» را با هم داشته باشد و به گونه ای باشد که اگر از میان امت اسلامی برود ضایعه ای جبران ناپذیر بر پیکر اجتماع وارد آید. یعنی وجود او چنان برای جامعه پر فایده و ارزشمند باشد که جای خالی او را هیچ چیز دیگر پر نکند.

«ما قَبَضَ اللهُ تَعَالَى عَالِمًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا كَانَ ثَغْرَةً فِي الْإِسْلَامِ، لَا تَسُدُّ ثُلْمَتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛(۱)»

خدای تعالی جان عالمی از این امت را نمی گیرد مگر آنکه شکافی در اسلام پدید آید که تا روز قیامت پر نمی گردد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

«الْعِلْمُ حَيَاةُ الْإِسْلَامِ وَ عِمَادُ الدِّينِ؛(۲)»

دانش مایه حیات اسلام و نگه دارنده ایمان است».

همچنین فرمودند:

«مَنْ طَلَبَ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ لِيُحْيِيَ بِهِ الْإِسْلَامَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ؛(۳)»

هر کس باب علمی جستجو کند تا اسلام را به آن زنده گرداند، میان او و پیامبران در بهشت تنها یک درجه فاصله باشد».

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

ص: ۷۴

---

۱- . کنز العمال، حدیث ۲۸۸۱۲.

۲- . همان، احادیث ۲۸۶۶۱ و ۲۸۹۴۴.

۳- . همان، حدیث ۲۸۸۳۳.

«عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَّتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضِعْفًا شِيعَتِنَا وَ عَنَ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ»؛ (۱)

دانشمندان شیعه پاسداران مرزی هستند که ابلیس و شیاطین به آن نزدیک می شوند و آنها را از حمله و تسلط بر شیعیان ضعیف باز می دارند.

زکریا بن آدم که از اصحاب خاص ائمه اطهار علیهم السلام است طی نامه ای به امام رضا علیه السلام می نویسد که من اراده کرده ام از شهر خارج شوم، زیرا اهل سفاهت و نادانان در آن فراوان شده اند. حضرت او را از این تصمیم بازداشتند و فرمودند:

«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قَمٍ يُدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا يُدْفَعُ عَنِ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ»؛ (۲)

این کار را نکن، زیرا بلا از اهل قم به واسطه تو دفع می گردد؛ همان گونه که بلا از اهل بغداد به واسطه پدرم امام کاظم علیه السلام دفع می شد.

بنابراین وجود عالمان دین باید موجب سرزندگی اسلام و حفاظت ایمان باشد و اگر این فایده بر وجود آنان مترتب نشود علم مورد رضای پیامبر صلی الله علیه و اله را نیاموخته اند.

طلبه کارآمد

این پرسش، اینک به صورتی طبیعی پیش روی ماست که طلبه برای انجام مسئولیت صنفی خود چه توانایی هایی باید کسب کند

ص: ۷۵

---

۱- . الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳.

۲- . الاختصاص، ص ۸۷.

و در چه موضوعاتی باید کارآمد باشد؟ حوزه تأثیر طلبه چگونه گسترش می یابد و طلبگی طلبه چگونه پرثمرتر می شود؟ بی شک به دست آوردن مهارت هایی که

مربوط به تعریف طلبه و هویت صنفی اوست، برای طلبه لازم است اما سایر توانایی ها و مهارت ها برای طلبه تنها یک فضیلت به شمار می رود و ضروری نیست.

#### ۱. کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت

یکی از مهم ترین مهارت هایی که یک طلبه باید به دست آورد، هنر فهم آموزه های دینی است. «تفقه» مقوم هویت روحانی و از ذاتیات شخصیت صنفی اوست و اگر حد نصاب دین شناسی و آگاهی از معارف اسلام در کسی نباشد، اطلاق «روحانی» بر او مجاز یا دروغ است!

این ویژگی، هم چهره اثباتی و هم چهره سلبی دارد؛ یعنی طلبه هم باید با آموزه های اصیل دین آشنا باشد و هم آموزه های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت ها و تحریف ها را داشته باشد و عقربه های حساسیت علمی او، نسبت به کجی ها، انحرافات، تأویل ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.

سرمایه های حوزه علمیه باید برای انتقال این مهارت به طلبه اختصاص یابد و طلبه نیز موظف است همه نعمات الهی از زمان، توان، انرژی، عمر، نشاط و استعدادی که در اختیار دارد، را صرف همین هدف کند تا تجهیزات لازم برای پاسداری از پیکره دین و جلوگیری از ورود هرگونه آسیب اجتماعی به آن را داشته باشد.

بدین ترتیب، هر چه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروع مخفی گزاره ها را پیش از بروز آسیب،

بیشتر داشته باشد، کارآمدتر و ارزنده تر است.

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند:

«يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُذُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ؛<sup>(۱)</sup>»

رادمردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می کنند».

«فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ بِسَبْعِينَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ حُضْرُ الْفَرَسِ سَبْعِينَ عَاماً وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيَبْصُرُهَا الْعَالِمُ فَيَنْهَى عَنْهَا وَ الْعَابِدُ مُقْبِلٌ عَلَى عِبَادَتِهِ لَا يَتَوَجَّهُ لَهَا وَ لَا يَعْرِفُهَا؛<sup>(۲)</sup>»

فضیلت عالم نسبت به عابد، هفتاد درجه است که میان هر دو درجه، معادل هفتاد سال مسیر یک اسب تیز رو فاصله است و این بدان جهت است که شیطان میان مردم بدعت می گزارد که عالم آن را می شناسد و از آن نهی می کند، در حالی که عابد به عبادت خویش مشغول است و به آن بدعت توجهی ندارد (و اگر توجهی کند) آن را نمی شناسد».

۲. کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین

پس از «تفقه»، هنر «پیام رسانی» و قدرت «انتقال آموزه ها»،

ص: ۷۷

۱- رجال کشی، ص ۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲- روضه الواعظین، ص ۱۲.

مهم ترین مهارت لازم برای طلبه است. روحانی باید بتواند دانش خود را به جریان اندازد و از آنجا که در خطوط انتقال وحی قرار می گیرد، تجهیزات لازم برای توزیع باسلیقه تعالیم دینی را بدون هرگونه افتادگی و ضایعه، در میان توده ها داشته باشد. هر عنصری که به این هدف کمک کند، در راستای اهداف طلبگی است و طلبه را کارآمدتر و مؤثرتر می گرداند.

مهم ترین این مهارت ها قدرت نوشتن و هنر سخن وری است، زیرا بیشترین حجم اطلاعات از طریق گفتار و نوشتار منتقل می شود.

امروزه ارزش صنایع بسته بندی در توزیع فراورده های صنعتی و جلب اقبال مشتریان، برای همه آشکار است؛ چه بسیار اجناس مرغوبی که به خاطر بسته بندی نامناسب، بر روی دست تولید کننده باقی می ماند و چه بسیار اجناس نامرغوبی که به جهت استفاده از بسته بندی جذاب و زیبا، به سرعت به دست مصرف کنندگان بدقبال رسیده است.

مهارت هایی که موجب جلب توجه مخاطب، تحریک عواطف و تأثیرگذاری بیشتر پیام می شود؛ از صنایع ادبی و آرایه های لفظی و معنوی، آهنگ جذاب، نوسان صدا، شور و حرارت بیان، مثال ها و تمثیل های گویا و گیرا و سلیقه در انتخاب بهترین قالب برای عرضه فراورده های فرهنگی، هم سنگ آشنایی با صنایع بسته بندی است و عرضه دین به مخاطب را موفق تر می سازد.

اگر بخواهیم میان این مهارت ها و مهارت اول (شناخت عمیق دین)، مقایسه کنیم، باید به صراحت بگوییم که دسته دوم از نظر ارزش، در رتبه دوم و درجه نازل تری قرار دارد، زیرا دین شناسی، محتوا و درون مایه پیام را تشکیل می دهد و مهارت های تبلیغی،

قالب و شکل آن را؛ یعنی اگر امر تبلیغ میان «محتوای اصیل در قالب ضعیف» و «محتوای ضعیف در قالب جذاب» دائر باشد، بدون تردید گزینه اول مقدم است.

جنس مرغوب حتی اگر بسته بندی مناسب نداشته باشد، آرام آرام حقیقت خود را آشکار و اعتماد مخاطب را جلب می کند. به همین دلیل، بیشتر توجه طلاب علوم دینی باید به اصالت، استناد و استحکام محتوای پیام باشد و بهترین توان و استعداد خود را برای آن به کار گیرند، اما برای کارآمدی و تأثیرگذاری بیشتر، هرگز نباید از این ویژگی های درجه دوم غفلت کرد؛ چنان که اعجاز بلاغی قرآن کریم، عامل انتشار اعجاب آور پیام آسمانی اسلام و نفوذ سریع آن در اعماق جان مخاطبان بود. از این رو، آنچه در دانش بلاغت و نیز صنعت خطابه در دانش منطق آموخته می شود باید با تلاش و تمرین مستمر به ملکه و مهارت تبدیل گردد.

ذکر این نکته لازم است که تکنیک های امروزی بلاغت، بسیار بیش از آن است که در کتب گذشتگان گرد آمده است؛ بلاغت به معنای «رسایی پیام» است و امروزه در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه محدود نیست. طرح ها، نمودارها، جداول، تقسیم بندی های درختی، خلاصه بحث، برجسته کردن واژه ها و جملات مهم، ویرایش دقیق متن، تصویر، ابزارهای کمک آموزشی و استفاده از روش ها و ابزارهای جدید انتقال پیام مانند رایانه و اینترنت نیز در بلاغت کلام

مؤثرند. طلبه همان گونه که رسالت فهم دین دارد و باید در آن، کارآموده و چالاک باشد، رسالت ابلاغ سخن دین را نیز دارد و باید بتواند تمام ظرفیت های موجود را برای ابلاغ بهتر و کامل تر دعوت الهی به خدمت بگیرد.



پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلِيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛(۱)»

هرگاه انحرافات و بدعت ها در میان امت من ظاهر شد، بر دانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد».

### ۳. کارآمدی در تربیت

از جمله وظایف مهم در آینده صنفی طلبه، وظیفه تلاش برای تزکیه نفوس و پرورش اخلاقی و معنوی جامعه است. اگر مسئولیت صنفی روحانی را تعلیم و تربیت بدانیم، تربیت نیمی از وظایف او را پوشش می دهد و اگر تعلیم را هم در راستای تربیت و به عنایت رشد انسان در نظر بگیریم، وظیفه روحانی در تربیت منحصر خواهد شد و تبلیغ و تعلیم به عنوان مقدمه لازم برای رشد و تربیت انسان، مطلوب است.

تربیت دینی، مراتب و سطوح مختلفی دارد و هر طلبه متناسب با سطح مخاطبان خود، باید آمادگی انجام این وظیفه را داشته باشد. مقصد تربیت و الگوی رشد دینی را

نیک بشناسد؛ اصول و قواعد تربیت را بداند و بر مهارت های تربیتی مسلط باشد. البته این همه بدون تجربه عملی، سلوک و تزکیه نفس امکان پذیر نیست.

### ۴. مهارت های عمومی

علاوه بر این سه مهارت اصلی، توانمندی های فرعی دیگری

ص: ۸۰

وجود دارد که به طلبگی اختصاص ندارد، ولی در زندگی عمومی او به کار می آید؛ توانایی هایی چون خوش نویسی، طراحی، رانندگی، انواع ورزش ها، توانمندی های نظامی، اطلاعات عمومی غیر مرتبط با حوزه دین و... .

این مهارت ها در هویت صنفی طلبه تأثیر چندانی ندارد؛ یعنی می توان عالمی ربانی و کارآمد تصور کرد که از این توانایی ها بی بهره باشد. این توانمندی ها را به دو دسته تقسیم می کنیم.

دسته اول گروهی که با صرف زمان اندک، می توان بر آن تسلط یافت و بهره فراوانی از آن دریافت؛ مثل رانندگی، تایپ (حروف چینی و ماشین نویسی)، مهارت های عمومی امداد و کمک های اولیه؛ این دسته مهارت ها تجهیزات ارزنده ای هستند که با صرف زحمت و مؤونه اندک، فایده و معونت فراوانی می دهند و به حکم عقل، پی گیری و تحصیل آنها مقرون به صرفه است.

دسته دوم مهارت هایی است که برای کسب آنها به زمان طولانی و توان بسیار نیاز است. علوم غیرحوزوی مانند پزشکی، مهندسی و تخصص های مربوط به سایر مشاغل، همچون آهنگری و نجاری و... از این دسته اند. پی جویی این مهارت ها وظیفه طلبه نیست، بلکه با ایجاد مشغولیت مزاحم، نرخ کارآمدی او را در هویت صنفی اش پایین می آورد، به همین جهت مانع انجام وظیفه محسوب می شود.

فرایند تحصیل کارآمدی

نظام آموزشی حوزه های علمیه، مقدمات لازم برای دین شناسی را در اختیار طلبه قرار می دهد. این مقدمات، شامل

آشنایی با زبان عربی، آشنایی با پیکره علوم اسلامی و جغرافیای مباحث و نیز آشنایی با متد استنباط از منابع دین است. برخی مهارت های تبلیغی نیز به صورت کاملاً نظری در علم بلاغت و صناعات خمس منطبق معرفی شده است، اما تمرین این مهارت ها و نیز مهارت های نوع سوم و چهارم بر عهده خود طلبه است؛ گرچه برخی مراکز و مؤسسات وابسته به حوزه، امکان تحصیل بخشی از این توانمندی ها را فراهم آورده اند.

به هر حال لازم است هر طلبه از آغاز ورود به حوزه، در اندیشه کسب مهارت های مورد نیاز آینده خود باشد و در روزگار تحصیل، دست کم یک بار به تجربه عینی مسئولیت های صنفی خود اقدام کند و مهارت خود را نسبت به اموری که در آینده بدان نیاز دارد یا در معرض آن قرار می گیرد، بیازماید. این آزمایش طبعاً در مقیاس کوچک و فضای کنترل شده ای صورت می گیرد، ولی در مهارت افزایی

و کارآمدی طلبه، نقشی بسیار مؤثر ایفا خواهد کرد.

کسی که در پی کسب مهارت وزنه برداری است، باید به عنوان تمرین، وزنه هایی مشابه آن چه در مسابقه نهایی بلند می کنند، بلند کرده باشد؛ بلند کردن گونی برنج و کنده درخت، تمرین مناسبی برای ورزش وزنه برداری نیست؛ این عمل گرچه موجب تقویت بازوی وزنه بردار می شود، اما دقت های ویژه و تکنیک خاص وزنه برداری را به او منتقل نمی کند.

به همین ترتیب، لازم است طلبه در خلال تحصیل علوم حوزوی، حداقل یک مورد تدریس، یک دهه سخنرانی، یک سفر تبلیغی، تألیف مقاله یا کتاب، پژوهش، تحقیق کتاب و مقابله با نُسَخ، مدیریت فعالیت های فرهنگی، حضور در اردوی فرهنگی و ...

را تجربه کرده باشد و با فضای متنوع هر یک از این امور، از نزدیک انس داشته باشد.

این تجربه موجب می شود که فراز و نشیب هر یک و مزایا و کاستی های آنها را به خوبی دریابد و داوری روشنی نسبت به ظرفیت های هر مقوله و نیز توانمندی های خود داشته باشد. این تجربه هرگز نباید به آسیب تعویق، تأخیر و تسویف گرفتار آید. پایان تحصیلات حوزوی که طلبه در سنین ۳۵ تا ۴۰ سالگی قرار دارد، آغاز خوبی برای پرداختن به این امور نیست. دغدغه مهارت افزایی و کارآمدی، باید از آغاز طلبگی در طلبه وجود داشته باشد و او را به حرکت و جوشش بیشتر وادار کند.

در سنین بالا-علاوه بر آنکه استعداد فراگیری انسان کم می شود، توقع اجتماع از او بالا می رود و نارسایی و اشتباه که لازمه طبیعی هر فراگیری است، برای او موجه شمرده نمی شود. غالباً کسانی که توان افزایی خود را به سنین بالا- به تعویق می اندازند، در آن موقعیت، به سبب بروز همین مشکلات، از اقدام برای کسب مهارت دوری می کنند.

در پایان ذکر این نکته لازم است که این تجربه های نخستین که در ابعاد کوچکی صورت می گیرد -هر چند زرین و موفق- هرگز نباید موجب غرور و خودبسندگی شود، زیرا به فرموده امیرمؤمنان:

«الإعجابُ يمنعُ الازدياد»<sup>(۱)</sup>

خود پسندی مانع پیشرفت انسان می شود».

نقطه مقابل این آفت، کوچک شمردن این تجارب و دریغ از

ص: ۸۳

اهتمام شایسته برای آن است. این مسئله نیز موجب از دست رفتن یک فرصت ارزشمند می شود که همیشه تکرارپذیر نیست. طلبه باید سقف خلاقیت و توانایی های فردی خود را با حوصله کامل در انجام این تجارب به کارگیرد و فراورده ای درخشان، ممتاز و مثال زدنی عرضه کند تا هم از فرصت حاصل آمده به خوبی بهره گرفته باشد، هم در پیشگاه امام حاضر سرفراز و سربلند باشد.

ص: ۸۴

در این نوشتار مراد از «فعالیت فرهنگی» هر کاری است که با استفاده از نیروی موجود و توانمندی بالفعل فرد، به هدف رشد دیگران و ارائه خدمات فرهنگی صورت گیرد.

در دفتر چهارم ضمن بررسی طرح کلان فعالیت های طلبه به این نتیجه رسیدهایم که بر اساس هویت طلبه، عمده توان و زمان او باید صرف تحصیل و بالا بردن توانمندی های خود گردد و جز در حاشیه این وظیفه اصلی، انتظار نمی رود طلبه به فعالیت های دیگر بپردازد (نسبت متن و حاشیه، نسبت ۴ به ۱). اکنون اضافه میکنیم، گرچه پرداختن به این فعالیت ها در حاشیه برنامه طلبه قرار دارد، اما به هیچ وجه متن کار او بدون حاشیه، مفید واقع نمی شود. خصوصاً طلابی که چند سال در حوزه، تحصیل کرده و بنیه علمی و شخصیتی نسبتاً استواری یافته اند، وظیفه ویژه ای در این مورد دارند.

این گونه فعالیت ها علاوه بر تأمین نیاز جامعه و ادای رسالت اسلامی (۱)

و زنده نگاه داشتن روح حساسیت نسبت به نیازهای

ص: ۸۵

---

۱- . گرچه «تربیت امروز» ما برای «خدمت فردا» است. اما همین امروز به تناسب وسعمان، وظیفه خدمت داریم. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه اجتماعی هر مسلمانی است که متناسب با توان و دانش و منزلت خویش باید آن را به جای آورد و امر به معروف و نهی از منکر در اشکال پیشرفته خود شامل همه انواع فعالیت های فرهنگی و تبلیغی می گردد. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از ابتدای بلوغ به همراه نماز و روزه برعهده هر مسلمانی واجب میگردد.

جامعه و تقویت بینش اجتماعی، به رشد و تکامل توانمندی های مورد نیاز طلبه هم می انجامد. به بیان دیگر این گونه فعالیت ها در مراحل نخست، نوعی تحصیل هم محسوب می شود. تحصیل توان سخن وری، نویسندگی، پژوهش، کلاس داری، مواجهه با جمع، مدیریت، طراحی فرهنگی، ارتباط اجتماعی، کار متشکل گروهی و... که هر یک به مرور زمان و به برکت «تجربه و تمرین» در وجود شخص، شکل می گیرد.

تحصیل علوم حوزوی، درون مایه این توانمندی ها را تأمین می کند و این توانایی ها قالبی برای ارائه آن محتوا خواهد شد. به خوبی روشن است که محتوای بدون قالب همچون قالب بدون محتوا، مفید واقع نمی شود.

□

پاره ای از دانش آموزان مدارس و دبیرستان ها در کنار برنامه های آموزشی و تحصیلی خود در فعالیت های فوق برنامه، حضوری پرنشاط دارند. روزنامه دیواری تهیه می کنند، مقاله می نویسند و در مراسم صبحگاه ارائه می دهند، در کتابخانه یا واحدهای دیگر فعالیت می کنند، در اجرای مراسم نماز جماعت، دعا، قرآن، جشن یا سوگواری، راهپیمایی و برنامه های هنری -دکلمه، مسابقه، سرود، تئاتر- سهیم می گردند، با بسیج مدرسه همکاری می کنند، بریده جراید را در تابلوی مخصوص نصب می کنند،

کلاس های تقویتی برای دوستان خود تشکیل می دهند، از ذوق و هنر خود به صورت شعر، طراحی، کاریکاتور و... استفاده می کنند، آزمایش های توصیه شده در کتاب های درسی را به خوبی انجام می دهند، با بهره گیری از دانش و مهارت خود کارهای دستی و وسایل خاص تولید می کنند و خلاصه آن که جوش و خروش ویژه ای از خود نشان می دهند. این دانش آموزان با استفاده شایسته از وقت و توان خود،

ص: ۸۷



- بهره ای به دیگران می رسانند.
- تنوع برنامه خود را حفظ و نشاط خود را استمرار می بخشند.
- آموخته های خود را محک می زنند و مباحث نظری خشک را بهتر درک می کنند.
- خلاقیت و توان علمی خود را بالا می برند.
- فایده و کاربرد معلومات خود را لمس می کنند و به ادامه جدی تحصیل، ایمان و امید بیشتری پیدا می کنند.
- روح تعاون و همکاری را در خود تقویت می کنند.
- قدرت برخورد اجتماعی و تعامل گروهی را در خود می افزایند و صحنه جدی فعالیت های اجتماعی را در دایره ای کوچک تجربه می کنند و همیشه مورد تقدیر و تشویق اولیا و مربیان هستند؛.
- اگر و تنها اگر این فعالیت ها در «حاشیه» فعالیت آموزشی آن ها قرار گیرد و آسیب جدی به روند تحصیل آن ها وارد نسازد. شخصیت این دانش آموزان پرشور از رهگذر این تلاش و تجربه، مجموعاً بهتر و مفیدتر و جامع تر از دانش آموز درس خوانی است که دائماً دفتر و قلم به دست گرفته و در گوشه انزوا سر در مباحث درسی فروبرده است.
- پدران و مادران و مربیان، معمولاً دو توصیه موازی به فرزندان خود می کنند؛ یکی حضور فعال در این برنامه ها، به جهت فواید فراوان آن.
- دوم توجه به ضریب اهمیت درس، و رعایت اعتدال در این حضور.
- همین دو توصیه موازی را در حرکت حوزوی نیز باید رعایت کرد. فعالیت های جانبی در کنار برنامه تحصیل، برای طلبه ضروری است و مشابه این آثار و برکات را در پی دارد. البته اگر در انجام این

فعالیت‌ها رعایت اعتدال و تناسب فراموش نشود.

روشن است که به دست آوردن هر توانمندی در ابتدای امر دشوار است و با ناکامی‌ها و شکست‌هایی مواجه می‌شود و احتمالاً ضایعاتی خواهد داشت. اما در مقابل توانمندی و ورزیدگی حاصل از آن، قابل تحمل و مجموعاً مقرون به صرفه است.

### ویژگی‌های فعالیت فرهنگی

برای آنکه دیدگاه کامل تری نسبت به این برنامه‌ها ارائه شود، از مثال دیگری استفاده می‌کنیم. واحدهای تولیدی فراوان دست‌اندر کار تهیه و تولید پوشاک هستند. با عبور

سریعی از بازار لباس، این فرآورده‌های متنوع به چشم می‌آید.

- بر حسب سن و جنس افراد: لباس نوزاد، بچه‌گانه، پسرانه، دخترانه، مردانه، زنانه،...

- بر حسب نوع یا محیط استفاده: لباس روحانیت، لباس کار، لباس رزم، لباس احرام، لباس ورزش، کت و شلوار، لباس عروس، لباس عزا،...

- بر اساس جنس لباس: لباس نخی، پشمی، چرمی، توری، ابریشمی،...

- و برای کارکردهای ویژه قطعات خاصی مثل چفیه، دستکش، قنداق، ناف‌بند، پیش‌بند، شال‌گردن، عمامه، جوراب،...

۱. این تنوع عجیب که در رنگ، جنس، مدل و اندازه لباس‌ها مشاهده می‌شود، پس از شناسایی انواع نیازها به صورت طبیعی پدید آمده است. اگر نیاز شدید انسان در سنین و طبقات مختلف به محصولات فکری و معنوی هم به خوبی درک شود، تنوع

فرآورده های فرهنگی بسیار افزایش می یابد. بنابر این قدم اول در ارائه یک اثر، شناخت نیازها است.

۲. تأمین این نیازها در عرض یک دیگر صورت می گیرد و معمولاً تولید یکی از این محصولات، متوقف بر تولید دیگری نمی شود. هزاران واحد صنعتی کوچک و بزرگ بدون اطلاع از هم، به تولید این قبیل محصولات همت گماشته اند. از واحد کوچکی دارای یک عضو، که در گوشه اطاق با یک چرخ

خیاطی ساده مشغول رفع نیاز خانه و همسایه ها است، تا واحدهای صنعتی عظیمی که صدها نیروی انسانی در آن مشغول فعالیت اند. هر کس به فراخور توان و امکانات خود به تأمین یکی از نیازها که بیشتر برای او اهمیت داشته، پرداخته است. در نیازهای فکری و معنوی هم همیشه لازم نیست مؤسسات عظیم، با طول و عرض و ارتفاع کلان مشغول به کار شوند. هر کس می تواند بخشی از نیازهایی را که مشاهده کرده و تشخیص داده است، با ایجاد یک واحد فرهنگی کوچک - حتی یک نفره - مرتفع سازد.

۳. گر چه ابعاد اهمیت این مراکز صنعتی، مساوی نیست ولی هیچ کدام نباید به بهانه اهمیت فوق العاده دیگری تعطیل یا تحقیر شود. تولیدکننده کت و شلوار حق ندارد بر تولیدکننده لباس نوزاد یا لباس زیر فخر فروشد. زیرا تولید لباس نوزاد نیز ضروری است. به همین صورت فعالیت استاد دانشگاه و مربی کودکان هر دو ضروری و محترم است و یکی بدون دیگری نتیجه بخش نیست. گاهی هم اثر و ارزش نهایی فعالیتی مربی کودک از فعالیت استاد دانشگاه بیشتر است.

۴. تأمین این همه نیاز از توان یک فرد و یا یک مجموعه، بسیار

بزرگ تر است. هزاران مجموعه بزرگ و کوچک، نامدار و گمنام، در نقاط مختلف شهرها و روستاها در تلاش برای ارائه خدمات تولیدی و توزیعی هستند. نیازهای فرهنگی انسان ها هم هزاران متولی پرکار می خواهد. مادری که با فرزند خود گفتگو می کند، کسی که برای تذکر به دوستان خود ساعتی مطالعه، مشاوره یا گفتگو می نماید، شخصیتی که برای اهل

محل یا خانواده و فامیل خود جلسه و کلاس تشکیل می دهد، امام جماعت مسجد، طلبه ای که در اردوی دانش آموزی شرکت می کند، محققى که کتاب می نویسد و... همه دست اندر کار تولیدات فرهنگی هستند. به این ترتیب ما می توانیم بسیاری از فرصت های خود را با نگاه تربیتی، به تولیدات فرهنگی اختصاص دهیم، حتی مدت زمان کوتاهی که در اتوبوس کنار کودک نشسته ایم.

۵. گرچه ممکن است محدودیت های مالی، علمی و مهارتی موجب شود یک واحد تولید پوشاک با یک چرخ خیاطی ساده و در گوشه اطاق منزل آغاز به کار کند، ولی تنها در صورتی می توان این واحد کوچک را موفق دانست که در طی زمان، متناسب با افزایش دانش، مهارت و امکانات، دایره خدمات خود را گسترش داده باشد. آگاهی از آخرین دست آوردهای فن آوری روز و دانش فنی و استفاده از آن موجب می شود اولین سال تأسیس این واحد با سال های بعد، تفاوت چشمگیری داشته باشد. در تولیدات فرهنگی هم همین گونه است. اثری که از طلبه در سال های نخست طلبگی صادر می شود، با اثری که در سال های بعد عرضه می کند باید متفاوت باشد. احساس استغنا و قناعت به سطح موجود، موجب رکود برنامه می شود. تدریس و تبلیغ طلبه باید روز به روز «اصیل تر»،

«عمیق تر» و «گسترده تر» گردد و در آن «دانش»، «تجربه»، «تدبیر» و «هنر» بیشتری تزریق شود.

۶. تولیدات فرهنگی، هرچه عمق (کیفیت)، اصالت (صحت) و گستره (کمیت) بیشتری داشته باشد، مفیدتر

است. لذا باید روز به روز با تحصیل توانمندی‌ها به این سه ویژگی بیافزاییم. برای افزایش عمق و اصالت این تولیدات، باید دانش‌های حوزوی را به بهترین کیفیت آموخت. برای افزایش گستره آن نیز بهره‌گیری از هنر ضروری است.

«هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست... هنر یک شیوه بیان است، منتها این شیوه بیان از هر تبیین دیگر رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است»<sup>(۱)</sup>.

۷. برای تولید یک اثر حوصله و زمان و توان فراوان خرج می‌شود، اما برای مصرف آن گاهی یک لحظه کافی است. مصرف‌کننده تا هنگامی که مراحل تولید را از نزدیک مشاهده نکرده، قدر زحمت تولیدکننده را نمی‌شناسد. فرشی که زیر پای ماست، محصول زحمت طاق‌فرسای چندین هنرمند کوشا است. نهایت تقدیر ما از آن همه تلاش این است: «فرش زیبایی است!»، برای تهیه هر صحنه از فیلمی که در عرض دو ساعت به سرعت از پیش دیدگان ما می‌گذرد و تنها با جمله «چه فیلم خوبی!» مورد ارزیابی و

ص: ۹۲

---

۱- . هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، صفحه ۹.

قدرشناسی ما قرار می گیرد، ساعت ها مطالعه شده، هزینه هنگفتی به کار رفته و چندین کارشناس هنرمند در زمان قابل توجهی کوشیده اند.

بنابراین نباید به خاطر قدرناشناسی مخاطبان، از «دقت»، «استحکام»، و «ظرافت» اثر بکاهیم و از حوصله لازم در تولید آن مضایقه کنیم. یک سخنران باید برای سخنرانی خود ساعت ها مطالعه و فکر کرده باشد. برای نوشتن یک مقاله چند صفحه ای باید توان فراوانی صرف نمود، هر چند مخاطب ما به روشنی در جریان تولید آن قرار نگیرد و به اندازه انتظار ما قدرشناسی نکند.

این مسئله ابداً نباید موجب ناامیدی ما از ادامه کار گردد. چنین واکنشی کاملاً طبیعی است و در همه تولیدها سابقه و نمونه دارد. لذا هرچه استحکام یک فراورده بیشتر باشد و در آن، وجدان کاری محسوس تر باشد، استفاده و مطلوبیت بیشتری دارد. یک ده آباد، به از صد شهر خراب.

غالباً تولید کننده یک اثر به جهت معاشرت طولانی با آن و نیز تحمل زحمت فراوان در مراحل آماده سازی آن، نوعی تعلق خاطر و رضایت نسبت به آن اثر دارد. اما دیگران، بر دو گروه اند؛ گروه اول کسانی که به خاطر بهره ویژه ای که از آن اثر دریافت می کنند، به تعریف و تمجید و ابراز احساسات نسبت به آن می پردازند و گروه دوم کسانی که به خاطر تفاوت سلیقه - و نه از سر مخالفت و لجاج - واکنش رضایت آمیزی نسبت به آن از خود نشان نمی دهند. تولید کننده باید مناسبتی با اثر خود برقرار کند که نه وجود گروه اول، باعث غرور و تکبر او گردد، و نه گروه دوم او را از ادامه و تکمیل کار مأیوس و نگران سازد، بلکه تنها در صدد انجام وظیفه خود به نحو مطلوب

۸. امکانات اولیه ما برای آغاز حرکت متفاوت است. قدرت مالی، معلومات و سطح توانمندی ها، آگاهی های محیطی، تجربه های فردی، روحیه ها، علاقه ها، باورها، فضای زندگی و... همه از امکانات ما هستند. اگر شخصیت یک سخنران موفق، یک مدیر موفق و یک فیلم ساز موفق را با یک دیگر مقایسه کنیم، متوجه می شویم که لاقبل بخشی از تفاوت های آن ها به تفاوت امکانات اولیه برمی گردد. اما علی رغم این تفاوت ها، هر سه در این مسئله شریک اند که از امکانات اولیه خود به خوبی بهره گرفته اند. به همین جهت لازم و بلکه ممکن نیست که ما شخصیت یک فرد خاص را الگوی تمام عیار خود بگیریم و بخواهیم مو به مو مطابق او عمل کنیم. چه بسا امکانات ما از او کمتر و یا بیشتر باشد.

۹. گاهی گفته می شود: «چون خود سازی مقدم بر خدمت به دیگران و دیگرسازی است باید توجه به نیازهای اجتماعی را به پس از فراغت از تحصیل حوزوی و تهذیب نفس موکول کرد.» سرآغاز این گفته، سخن پذیرفته و اصل معقولی است؛ کسب برخورداری های شخصی بی تردید و از نظر عقلی مقدم بر توجه به دیگران است و به همین جهت هویت طلبه، هویت «رشد و فراگیری» است، نه «بازدهی و ثمربخشی». یعنی بدون رشد و فراگیری امکان بازدهی و ثمربخشی وجود ندارد. اما این سخن نیز به جای خود ثابت است که تعلیم و تربیت و ساختن -چه موضوع آن خود انسان باشد و چه دیگری- سطوح و مراتب مختلف دارد. طلبه به اندازه ای که در حوزه رشد می کند، قابلیت بهره دهی پیدا می کند و به

پایه های پایین تر اشراف می یابد. دانش آموز دبیرستانی می تواند، دروس ابتدایی را

تدریس کند. دانشجو هم قابلیت تدریس دروس دبیرستان را دارد. هر کس در هر سطح علمی یا معنوی قرار گرفته باشد، می تواند دست گیر سطوح پایین تر باشد. به این ترتیب یک خوشه تعلیمی یا تربیتی تشکیل می شود، که هر کس باید جای خود را در این خوشه بشناسد. مثلاً در فضای علمی، محققان اندیشمند در رأس خوشه قرار می گیرند و اساتید دانشگاه از آن ها بهره می گیرند، در سطوح پایین تر این خوشه به ترتیب دانشجویان، دبیرستانی ها و دانش آموزان ابتدایی قرار دارند.

به دو جهت نمی توان از اندیشمندان تراز اول برای آموزش مستقیم کودکان ابتدایی استفاده کرد؛

یکی این که وجود آن شخصیت ها برای مباحث تخصصی لازم است و مقرون به صرفه نیست که وقت و توان آن ها صرف آموزش نوآموزان شود.

دوم این که به سبب فاصله علمی بسیار زیادی که میان او و کودک مبتدی وجود دارد، ارتباط و تفهیم مطالب، بسیار دشوار است. در حالی که جوان دبیرستانی به خاطر تصور روشنی که از اندوخته های کودک و سیر انتقال او به معلومات تازه دارد، و همچنین به خاطر تسلط بیشتر بر زبان کودک، می تواند در انتقال سریع مطالب علمی به او موفق تر باشد. اگر این خوشه تعلیمی به خوبی تکمیل گردد، روش عاقلانه و عادلانه ای در پیش گرفته شده، که در آن هم معلم و هم متعلم رشد می کنند.

در فضای تربیتی و اخلاقی نیز نباید توقع داشت نیرو و تلاش اساتید بزرگ عرفان و اخلاق، صرف تربیت مبتدیان و نوپایان گردد. زیرا تربیت کسانی که تا نیمه های راه رفته اند تنها به دست آن بزرگان



امکان دارد. اما برای تربیت سطوح بعد، از شاگردان و شاگردان شاگردان آن ها هم می توان بهره گرفت. این طرح خوشه ای یک تقسیم کار حکیمانه است که با آن از سرمایه های تربیتی بهتر می توان بهره گرفت.

طلبه برای فعالیت های تعلیمی و تربیتی باید «اقدامی»، «متناسب» و «متکامل» داشته باشد. اقدام، یعنی «از انجام وظیفه شانه خالی نکند، جای خود را در خوشه خالی نگذارد و عناصر سطوح بالا را با فرار خود به فعالیت های نازل، مشغول ننماید». متناسب، یعنی «با از گلیم خود فراتر ننهد، جایگاه خود را خوب بشناسد، و فقط در محدوده توان خود فعالیت کند». متکامل، یعنی «با تحصیل و تهذیب مستمر جایگاه خود را در این خوشه بالاتر برد و روز به روز به بهره های وجودیش افزوده گردد».

۱۰. طلبه باید درانتخاب نوع فعالیت، توان محدود خود را در بهترین و مؤثرترین برنامه ای که آمادگی آن را دارد صرف کند و به روحیه تنوع جوی خود اجازه پرداختن به امور کم فایده -هرچند پر سر و صدا و چشم گیر- را ندهد. مثال خربزه و گردو که پیش از این در بحث تحصیلات حوزوی بیان شد پیام گویایی در این زمینه دارد. تشخیص این موارد علاوه بر تأمل، مطالعه و مشاوره گاهی نیاز به تجربه مستقیم فضاهای مختلف و درگیری با انواع فعالیت ها دارد.

۱۱. هر اثر فرهنگی دارای سه بُعد است و برای تعیین مختصات آن باید این سه بعد را در نظر گرفت. این سه بعد عبارت اند از محتوا، مخاطب و قالب. به بیان دیگر هر اثر فرهنگی به هدف انتقال محتوای خاصی در قالبی معین به مخاطبی ویژه پدید آمده است.

مخاطب اثر فرهنگی بر اساس معیارهای مختلف به زن، مرد،

کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال، شهری، روستایی، بی سواد، باسواد، فرهیخته، و... تقسیم می شود. محتوا نیز ممکن است معرفتی، انگیزشی یا مهارتی باشد و به هدف رشد علمی، اخلاقی-معنوی، هنری، حرفه ای، جسمی، یا اجتماعی در نظر گرفته شده باشد. معرفت نیز ممکن است از نوع عقاید، اخلاق، احکام یا آداب دینی یا اساساً غیردینی (مثلاً بهداشتی یا صنعتی) باشد. قالب ارائه اثر نیز بسیار متنوع است. از کتاب و جزوه و تراکت و فیلم و نرم افزار تا سخنرانی، نشریه، دیدار، نماز جماعت، دعا، عزا، مرثیه، نمایشگاه، مسابقه، شعر، داستان، کاریکاتور و... همه را در بر می گیرد.

هر اثر فرهنگی به منزله یک نقطه در فضای بین محتوا، قالب و مخاطب است و از هر سه زاویه باید بررسی شود.

۱۲. مدیر فرهنگی به منزله سر در پیکره فرهنگی عمل می کند. یعنی می بیند، می شنود، می بوید و نیازها و خطرات را درک می کند، آنگاه حکم لازم را برای اقدام مقتضی صادر می نماید. فعالان فرهنگی به منزله دست هایی هستند که این حکم را اجرا می کنند و تحقق می بخشند.



یکی از بزرگ ترین اقداماتی که در بررسی و بازپژوهی مسائل حوزه انجام گرفته، مأخذشناسی تخصصی روحانیت است که با عنوان مجموعه متون و اسناد روحانیت توسط مؤسسه دین پژوهی بشری در ۹۲ جلد رحلی در تعداد محدودی منتشر شده است. این مجموعه -با همه کاستی ها و نیازهایش- برای همه کسانی که در زمینه مسائل حوزه دغدغه و اهتمام دارند یک بشارت بزرگ به شمار می رود و آفاق امید را بر آنان می گشاید. به جهت اهمیت این موسوعه، فهرست آن را ذکر می کنیم.

مجموعه متون و اسناد روحانیت، به سفارش مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، مدیر علمی: محمد نوری، با نظارت مهدی مهریزی و عبدالوهاب فراتی، ۹۲ مجلد رحلی.

## مجموعه متون و اسناد روحانیت

### اشاره

یکی از بزرگ ترین اقداماتی که در بررسی و بازپژوهی مسائل حوزه انجام گرفته، مأخذشناسی تخصصی روحانیت است که با عنوان مجموعه متون و اسناد روحانیت توسط مؤسسه دین پژوهی بشری در ۹۲ جلد رحلی در تعداد محدودی منتشر شده است. این مجموعه -با همه کاستی ها و نیازهایش- برای همه کسانی که در زمینه مسائل حوزه دغدغه و اهتمام دارند یک بشارت بزرگ به شمار می رود و آفاق امید را بر آنان می گشاید. به جهت اهمیت این موسوعه، فهرست آن را ذکر می کنیم.

مجموعه متون و اسناد روحانیت، به سفارش مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، مدیر علمی: محمد نوری، با نظارت مهدی مهریزی و عبدالوهاب فراتی، ۹۲ مجلد رحلی.

### دفتر ۱. تاریخ روحانیت

● تاریخ عمومی

ص: ۹۹

- تاریخ روحانیت شیعه (بررسی کلی، سده اول تا دهم، سده دهم تا سیزدهم، سده سیزدهم تا پانزدهم)

## دفتر ۲. کلیات

- کتاب شناسی های منتشره روحانیت
- مأخذشناسی موضوعات مرتبط به روحانیت
- مأخذشناسی پایان نامه ها
- آثار علمی موجود در سایت پارسا
- رخدادهای فرهنگی مشتمل بر بررسی و معرفی کتاب، شبکه جهانی اینترنت، سایت ها، همایش ها، آمار و کارنامه نگاری

## دفتر ۳. بررسی های عمومی

- تحلیل های عمومی (مسائل مختلف روحانیت، سیمای حوزه در مطبوعات، دیدگاه های خاورشناسان) خاطرات
- مصاحبه ها
- دیدگاه های امام خمینی؟ رح؟
- دیدگاه های دیگران

## دفتر ۴. نظام آموزشی

- کلیات (دیدگاه ها، اصلاح، مراکز و نهادها، مقررات و آداب)
- بررسی عمومی (تاریخ تعلیم و تربیت، طرح و برنامه ریزی، مشرب ها و دیدگاه ها)
- متون آموزشی (کتاب های درسی، اصلاح متون)
- علوم حوزوی

● رشته های درسی

● تدریس و تحصیل

### دفتر ۵. نظام اداری روحانیت

● تشکیلات مدیریتی

● بودجه روحانیت و وجوه شرعی

### دفتر ۶. نهادها و مراکز (بررسی های عمومی، مراکز آموزشی و پژوهشی)

### دفتر ۷. ردیه و دفاعیه

### دفتر ۸. مناسبات جهانی روحانیت

### دفتر ۹. آسیب شناسی روحانیت

دفتر ۱۰. هنر

### دفتر ۱۱. پژوهش های تطبیقی (تحلیل های عمومی و مقایسه ای، روحانیت مسیحیت، نقد روحانیت مسیحیت، روحانیت دیگر مکاتب و ادیان)

### دفتر ۱۲. هویت جامعه روحانیت

● بررسی های عمومی

● اخلاق روحانیت

زندگی عمومی مشتمل بر فعالیت های روزانه، لباس،

● استقلال اقتصادی و اجتماعی، و نظم

● شأن و منزلت و جایگاه اجتماعی

● جایگاه حقوقی و دینی

● اصلاح و بازسازی (اندیشه های اصلاحی، ساماندهی و

- قشرها و جریان‌ها (طبقه بندی، جریان‌های مذهبی، جریان‌های سیاسی، جریان‌های فرهنگی و فکری)

### دفتر ۱۳. پراکندگی جغرافیایی حوزه‌ها و روحانیت

- قم
- تهران
- اصفهان
- قزوین
- دیگر حوزه‌های ایران (حوزه‌های شیعه، حوزه‌های اهل سنت)
- عراق (نجف، حله، کربلا، سامرا، بغداد، کاظمین)
- کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا (لبنان و سوریه، عربستان سعودی، کشورهای خلیج فارس، پاکستان و افغانستان)
- روسیه و ازبکستان
- آفریقا
- اروپا (آلبانی، بلژیک، بلغارستان)
- کانادا و آمریکا

### دفتر ۱۴. مبارزات سیاسی

- نبردهای داخلی (بررسی‌های کلی، نبرد با استبداد، سایر نبردها)
- نبرد با استعمار

### دفتر ۱۵. سیاست

- اندیشه‌های سیاسی (تفکرات سیاسی، فقه سیاسی، اندیشه‌های دین و



- کارکرد سیاسی روحانیت (نقش سیاسی، فعالیت سیاسی) شئون و مناصب (رهبری، قدرت، دوره صفویه، قانون گذاری)
- مشارکت سیاسی (حضور سیاسی، دفاع از حقوق مدنی مردم، رسالت سیاسی)
- تشکل ها و احزاب سیاسی (طبقه بندی گروه ها و جریان ها، فدائیان اسلام، گرایش ها، روحانیت مبارز، مشرب ها، دیگر گروه ها و جریان ها)

### دفتر ۱۶. فعالیت ها و خدمات اجتماعی

- کارکرد اجتماعی (خدمت به جامعه، عملکرد اجتماعی، کارویژه ها)
- جامعه سازی (مبارزه با مفاسد، تأسیس جامعه مطلوب، گسترش عدالت)
- تبلیغ و دعوت
- منزلت اجتماعی (نفوذ مردمی، کارهای اجتماعی، رابطه با اقشار)
- رسالت و وظایف
- شعائر دینی و عزاداری
- تربیت اخلاقی (اصلاح جامعه، ترویج اخلاق، هدایت، نقادی کارنامه روحانیت)

### دفتر ۱۷. فعالیت فرهنگی

- فرهنگ سازی (نقش و جایگاه فرهنگ، تمدن سازی، رویکردها)
- کتابخانه و کتابداری (بررسی کلی، تاریخ، نقش و کارکرد، انواع کتابخانه ها)

- نگارش و پژوهش (نویسندگی، تحقیق، ترجمه، تولید اندیشه و علم، کارنامه علمی روحانیت)
- روزنامه نگاری و خدمات مطبوعاتی (تاریخ، روزنامه نگاری، روزنامه نگاران روحانی، نشریات حوزوی)
- چاپ و نشر (انتشارات، کتاب)
- روابط فرهنگی (کامپیوتر و اینترنت، روابط با مراکز و جریان ها)

### دفتر ۱۸. انطباق اسلام با مقتضیات جدید

- تحولات تاریخی اجتهاد
- نقش زمان و مکان در پویایی فقه
- واقعیت ها و اجتهاد مطلوب
- کارایی و نقش اجتهاد
- تجدد و نوسازی

### دفتر ۱۹. مرجعیت

- تاریخ (تاریخ عمومی، دوره پهلوی و جمهوری اسلامی، خاورمیانه)
- ساختار تشکیلاتی (سازمان و نظام، تعیین و انتخاب، نقش و جایگاه اجتماعی، روابط بین مراجع)
- شرایط (شرایط عمومی، اخلاق، هدایت فکری و شرعی)
- عملکرد (فعالیت سیاسی اجتماعی، مبارزات، فعالیت علمی، فعالیت برون مرزی)
- شخصیت شناسی
- سازوکار و خدمات (ابعاد، کارکرد، آسیب شناسی، خدمات)

## دفتر ۲۰. نخبگان روحانیت

## دفتر ۲۱. مناسبات و روابط

- رابطه با جریانات و گروه‌ها (روشن‌فکران، صوفیان، احزاب و گرایش‌ها)
- رابطه با جامعه (ارتباط با مردم، تکفیر، مبارزه با فرقه‌های انحرافی)
- رابطه با اقشار جامعه (جوانان، زنان، اقشار فرهنگی)

## دفتر ۲۲. رهبری جنبش‌ها و نهضت‌ها

- بررسی کلی
- نهضت تنباکو
- مشروطیت (شالوده‌های فکری، گرایش‌ها و جریان‌ها، عملکرد و کارنامه روحانیت، آسیب‌شناسی)
- نهضت ملی نفت
- انقلاب اسلامی ایران (بررسی عمومی و تاریخی، نقش روحانیت در پیدایش و تداوم)
- نهضت‌ها و جنبش‌های خاورمیانه (عراق، ترکیه، لبنان)
- شبه‌قاره هند
- پاکستان
- افغانستان

## دفتر ۲۳. مناسبات روحانیت و حکومت‌ها

- بررسی عمومی (رابطه با دولت‌ها، رابطه با سلطنت، رابطه با روحانیت و دولت‌ها در غیر ایران)

● صفویه

● دوره قاجاریه

● دوره پهلوی

● دوره جمهوری اسلامی

### **دفتر ۲۴. هویت جامعه روحانیت**

● روابط درون سازمانی (روابط حوزه ها با یکدیگر، تعامل روحانیون و جریان های روحانی)

● جریان های مذهبی

● جریان های سیاسی

● جریان های فرهنگی و فکری

ص: ۱۰۶

## برای مطالعه بیشتر

برای آشنایی بیشتر طلاب با هویت روحانی، و دست یابی به خودآگاهی صنفی کتاب های زیر معرفی می شود. بی شک مطالعه این کتاب ها امکان بهره برداری بیشتر از سرمایه ها و فرصت های موجود را فراهم آورده و سرگردانی و تردید را در موارد فراوانی مرتفع می سازد.

● آخوند باید روحانی باشد؛ توصیه های رهبر انقلاب برای حوزه های علمیه، تدوین محمدرضا حدادی، تهران، فراندیش، ۱۳۸۵.

● آداب الطلاب، شاکر برخوردار فرید، تهران، لاهوت، ۱۳۸۵.

● آفات الطلاب، شاکر برخوردار فرید، تهران، لاهوت، ۱۳۸۵.

● استاد و درس، علی صفایی حایری، قم، هجرت، ۱۳۶۱.

● بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، نوشته جمعی از دانشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.

پژوهشی در نظام طلبگی، مهدی ضوابطی، تهران، بنگاه

● ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

● پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا،

ص: ۱۰۷

- پیرامون جمهوری اسلامی، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
- تبیان، دفتر دهم، روحانیت و حوزه های علمیه، روح الله الموسوی الخمینی؟ ره؟، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟ ره؟، ۱۳۷۹.
- حوزه علمیه؛ هست ها و باید ها، سید احمد خاتمی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
- حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- حوزه، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؟ ره؟، ۱۳۷۵.
- حوزه های علمیه، طرحی نو بر پایه ارزش ها، محمدتقی مدرس، ترجمه حمیدرضا آژیر، نشر بقیع، ۱۳۷۴.
- خشت اول، نشریه علمی فرهنگی اجتماعی، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم.
- درآمدی بر زی طلبگی، هنجارشناسی جلوه های رفتاری حوزویان، محمد عالم زاده نوری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، منصور علم الهدی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران، ۱۳۸۵.
- ده گفتار، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
- رسالت روحانیت در دنیای جدید، سید محمد مهدی میرباقری، قم، مؤسسه فرهنگی فجر ولایت، ۱۳۸۵.

- روحانیت، شهید مرتضی مطهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
  - رهنمود، چهل پرسش و پاسخ از آیت الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون طلبگی، تدوین علی وافی، قم، شفق، ۱۳۸۸
  - سیرحوزه های علمیه شیعه، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹
  - شکل گیری سازمان روحانیت شیعه، محمدعلی اخلاقی، تهران، مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۴.
  - شیوه های تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
  - صراط، هدایت تحصیلی طلاب و دانش پژوهان، ابوالقاسم علی دوست، قم، دارالفکر، ۱۳۸۴.
  - علم دیگر، محمد عالم زاده نوری، قم، وثوق، ۱۳۸۵.
  - کوله پستی طلبگی، قنبرعلی تیموری، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹
  - گذشته، حال و آینده حوزه در نگاه رهبری، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، محمد عالم زاده نوری،
- قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؟، ۱۳۸۵.
  - مانیفست روحانیت، رضا غلامی، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۸۴.
  - میقات سبز، مهدی هادوی تهرانی، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، کتاب همدم، ۱۳۸۰.
  - نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.

- والله تا حالا نترسیده ام (حوزه و روحانیت از دیدگاه امام خمینی؟ ره؟)، محمد اسماعیلی، قم، انتشارات سپهر آذین، ۱۳۸۵.
- ولایت، رهبری، روحانیت، شهید سید محمد حسین بهشتی، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، تهران، بقیعه، ۱۳۸۳.
- هویت صنفی روحانی، محمدرضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

ص: ۱۱۰



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. احتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید با تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۵. بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، علامه محمدباقر مجلسی، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۶. به کجا و چگونه؟ نیم نگاهی به آرمان کمال و راه رسیدن به آن، عالم زاده نوری، محمد؛ قم، مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی؟ره؟، ۱۳۸۵.
۷. پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
۸. تأملی در نظام آموزشی حوزه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۹. رجال، محمد بن عمر کشی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۱۰. روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، قم، انتشارات رضی.

۱۱. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی الحدید معتزلی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن کریم، سید علی حسینی خامنه ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۳. علم دیگر، محمد عالم زاده نوری، قم، وثوق، ۱۳۸۵.
۱۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ق.
۱۵. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علی بن حسام الدین متقی الهندی، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۶. لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، محمد عالم زاده نوری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؟ره؟، ۱۳۸۶.
۱۷. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
۱۸. محاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۱۹. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۰. منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، زین الدین بن علی جبعی عاملی معروف به شهید ثانی، تحقیق رضا مختاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۱. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
۲۲. وسائل الشیعہ، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۲۳. هویت صنفی روحانی، محمدرضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

منشورات ولأء منتظر عجل الله فرجه الشريف

- عصر الامام الخميني؟ ره؟ (ترجمه عربي)
- منشور فرهنگ از دیدگاه امام خميني؟ ره؟
- وظايف متقابل حوزه و نظام اسلامي از دیدگاه امام خميني؟ ره؟
- عبرت های عاشورا
- ارتجاع روشن فکري بعد از انقلاب اسلامي
- مهاجر، زندگي نامه شهيد حجت الاسلام ابراهيمي
- دشمن شناسي، بررسي رهنمود های مقام معظم رهبري
- جستاري بر پايان جنگ
- منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبري
- وظايف متقابل حوزه و نظام اسلامي از دیدگاه مقام معظم رهبري
- ولايت فقيه از ديرباز تا امروز
- آزمون خواص در حکومت اسلامي
- تبار انحراف، پژوهشي در جريان شناسي انحرافات تاريخي
- طوفان بلا در کربلا
- شناخت و بررسي شيطان پرستي

● آخرالزمان و آینده گرایی سینمایی؛ بررسی

و تحلیل بیش از پانصد فیلم

● دین و سینما، گزاره های اعتقادی؛ بررسی

و تحلیل بیش از سیصد فیلم

● دین و سینما، آموزه های اخلاقی و ارزشی؛ بررسی و تحلیل بیش از سیصد فیلم

● سینمای سیاسی، سیاست سینمایی؛ بررسی

و تحلیل بیش از پانصد فیلم

● تلخیص عصر امام خمینی؟ ره؟

● عصر امام خمینی؟ ره؟ و بیداری بشر معاصر (دوره پنج جلدی)

● دفاع مقدس، رخداد عظیم

● در قلمرو اندیشه های دفاعی امام خمینی؟ ره؟

● جنگ و قطعنامه های سازمان ملل متحد

● دانش تحصیل دانش

● کانال و مهتاب

● هزار و نه

● خمپاره خواب آلود

● راه مستقیم انقلاب؛ فرآیند پنجگانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر امام خمینی؟ ره؟ و حضرت امام خامنه ای (دوره

دو جلدی)

● دشمن شناسی در کلام امام خامنه ای

● نصرت خدا، تجلی بیداری اسلامی



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

